

پیشگویی رجعت در آخرالزمان در تورات، انجیل و قرآن

رضا برنجکار^۱، محمدمقداد امیری^{۲*}

۱. دانشیار دانشکده فقه و فلسفه پردیس قم، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۷؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۷/۲۵)

چکیده

رجعت یکی از پیشگویی‌های مهم آخرالزمان است که افزون بر اسلام، در آیین مسیح و یهود نیز، به آن اشاره شده است و براساس پیشگویی هرسه آیین، در زمان ظهور موعود آخرالزمان روی خواهد داد. تحقیق حاضر به بررسی پیشگویی‌های موجود در تورات و سایر کتاب‌های عهد عتیق و نیز، انجیل‌های چهارگانه و سایر کتاب‌های عهد جدید و پیشگویی‌های قرآن درباره رجعت و بازگشت دسته‌ای از مردگان به دنیا، تفسیر آن و بیان اختلاف‌ها در این باره، پرداخته است.

این تحقیق مشخص خواهد کرد، اعتقاد به رجعت در آخرالزمان اختصاص به اسلام، به‌خصوص مذهب شیعه نداشته، در منابع مقدس آیین یهود و مسیح نیز، آمده است؛ بنابراین، رجعت یکی از اعتقادات مهم ادیان آسمانی است.

واژگان کلیدی

رجعت، رستاخیز مردگان، مسیحیت، یهودیت، اسلام.

مقدمه

براساس باورهای دینی ما و ادیان آسمانی یهود و مسیح، و پیشگویی‌هایی که در شرع مقدس بیان شده است، در آخرالزمان حوادث مهمی روی خواهد داد که یکی از مهم‌ترین آن که مورد توجه همگان است، هدیه و وعده بزرگ الهی در برچیده شدن بساط ظلم، اختلافات، بدعت‌ها و حقیقت‌گریزی از صحنه روزگار به دست یکی از حجت‌های الهی و بازگشت دسته‌ای از مردگان به دنیا برای مشاهده این وعده بزرگ است؛ بنابراین، یکی از مسائل درخور توجه، آشنایی با اعتقادات دیگران، به‌خصوص یهودیان و مسیحیان، درباره حوادث آخرالزمان و وجه تشابه و تمایز آن با اعتقادات مسلمانان است. راه‌های مختلفی برای نیل به این منظور وجود دارد که یکی از آنها جست‌وجوی این مسئله در کتاب‌های مقدس این سه دین است.

اساس پیشگویی‌های مطرح‌شده در منابع مقدس یهودیان و مسیحیان از انبیای الهی آنان نشئت گرفته است و مسلماً بخشی از آنان ریشه در تعالیم وحیانی و آسمانی دارد، گرچه در بعضی موارد، ممکن است به مرور زمان، در اصل پیشگویی وحیانی یا مصادیق آن تغییراتی ایجاد شده باشد.

پیشگویی‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان از آخرالزمان، وجوه تشابه متعددی با یکدیگر دارند و اختلافات آنان یا در مصادیق، یا در بعضی جزئیات است؛ از این رو، با توجه به مقدمات مزبور، بروز برخی اختلافات در این باره، از جمله پیشگویی رجعت طبیعی است.

از آنجاکه مرجع عقاید و مسائل مذهبی یهودیان و مسیحیان، مجموعه عهد عتیق و عهد جدید کنونی است، برای اطلاع از اعتقادات رایج و کنونی آنان باید به مجموعه عهدین مراجعه کرد.

نکته درخور توجه اینکه در میان آنچه به‌عنوان کتاب مقدس در دست یهودیان و مسیحیان کنونی است، اسفار خمسه تورات بخشی از مجموعه عهد عتیق است که کتاب مقدس یهودیان و بخشی از کتاب مقدس مسیحیان است و انجیل‌های چهارگانه، بخشی از مجموعه عهد جدیداند که بخش دیگر کتاب مقدس مسیحیان‌اند. از این رو، گاه مجازاً به کل مجموعه عهد عتیق، تورات، و به کل مجموعه عهد جدید، انجیل گفته می‌شود؛ بنابراین، در عنوان این تحقیق اصطلاحاً و از روی مسامحه به کل مجموعه کتب عهد عتیق، تورات، و به کل مجموعه کتب عهد جدید، انجیل اطلاق شده است و هدف اصلی، بررسی رجعت در قرآن، عهد جدید و عهد عتیق است؛ چراکه مقصود، بررسی سیمای رجعت در آخرالزمان براساس کتاب‌های مقدس یهودیان، مسیحیان و مسلمانان است.

بررسی آیات تورات و سایر کتب عهد عتیق درباره رجعت

رستاخیز^۱ اعتقاد به زنده شدن دوباره بدن فیزیکی مردگان برای زندگی کامل در آینده است. ابن میمون، از علمای بزرگ یهود،^۲ اعتقاد به رستاخیز را در شمار اصول سیزده‌گانه دین یهود بیان کرده است. در سنت یهود، زنده شدن صالحان و نیکوکاران در آغاز روزگار مسیحایی و رستاخیز (رستاخیز مردگان در ایام ظهور مسیح^۳)، بخشی از اعتقاد رایج، درباره حوادث آخرالزمان است. براساس بعضی از اعتقادات یهودی، تمام کسانی که در کوه زیتون در اورشلیم مدفون‌اند، در رستاخیز، زودتر از دیگران برخوانند خاست (کیرش و هورویتز،

1. Resurrection

۲. موسی بن میمون القرطبی الأندلسی فیلسوف معروف یهودی در قرون وسطا که فیلسوفان یهودی متأخر نظریات خود را برپایه آثار او بنا می‌نهند. او همچنین مرجع معتبر فقه یهود بود (گرینستون جولوس، ۱۳۷۷، صص ۹۸-۹۹).

3. Resurrection of the Dead

توجه به این نکته ضرور است که مسیح موعود یهودیان غیر از مسیح مسیحیان، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام است. یهودیان با توجه به پیشگویی‌های منسوب به عهد عتیق، در انتظار آینده‌ای درخشان در آخرالزمان‌اند که به‌دست ماشیح (مسیح به‌معنای تدهین‌شده با روغن مقدس) انجام می‌شود و از جانب خداوند مأمور است تا این دوران تازه را آغاز کند (کوهن، ۱۳۵۰، صص ۳۵۱-۳۸۳). ("ماشیح" (با املائی عبری: משיח) در زبان عبری معادل واژه "مسیح" در زبان عربی، و "مشیحا" (با املائی عبری: משיחא) در لهجه آرامی و به معنای مسح‌شده با روغن مقدس و مسیح منتظر است (قوجمان ی. ۱۹۷۰، حرف ۵، ص ۵۰۷، کلمه‌های "משיח" و "משיחא"). مسیحیان این پیشگویی‌ها را درباره حضرت عیسی علیه السلام می‌دانند و معتقداند، بخشی از آرمان مسیحایی در زمان حضرت عیسی علیه السلام تحقق یافته و تحقق کامل آن در زمان بازگشت مجدد او از آسمان است؛ اما یهودیان تاکنون به ظهور مسیح دیگری امید دارند (قاموس الكتاب المقدس، ص ۸۶۳). عیسی مسیح علیه السلام در سنت یهودی از کسانی بشمار می‌آید که در طول تاریخ یهود درباره خود ادعای مسیحا بودن [دروغین] داشتند که سنت یهودی به آنها توجه نکرد. به اعتقاد مسیحیان، یهودیان این پیشگویی‌ها را نفهمیدند و گمان کردند که مسیح پادشاهی است که طبق معنای تحت‌اللفظی پیشگویی‌ها، آنان را از کسانی که به ایشان ستم می‌کنند، خواهد رهانید و به نهایت شکوه و آسایش خواهد رساند (نجات مادی) و آنگاه که عیسی، مسیح، ظاهر شد و او و رسولانش پیشگویی‌ها را برای آنان به غیرمعنای تحت‌اللفظی آن تفسیر کردند، او را نشناختند و به‌وضوح گمراه شدند؛ بعضی از یهودیان که منتظر آمدن و نجات روحانی او بودند، به او ایمان آوردند (بطرس عبدالملک و دیگران، ۱۹۷۱، صص ۸۶۱-۸۶۳ و ۸۸۶-۸۸۸).

۲۰۰۶، ص ۴۲۵).

آبراهام کوهن به نقل از تلمود^۱ می‌نویسد: در زمان ظهور مسیح (ماشیح)، رستاخیز و بازگشت مردگانی که نیکوکار بوده‌اند روی خواهد داد تا در سعادت و شادمانی ایام پس از ظهور سهیم باشند؛ اما بدکاران به دلیل محرومیتشان، در این ایام باز نخواهند گشت. در نتیجه، اعتقاد به ظهور ماشیح، با ایمان به حقیقت رستاخیز مردگانی که شایسته چنین پاداش و موهبتی باشند همراه است (کوهن، ۱۳۵۰، صص ۳۵۷-۳۶۱).

جولیوس گرینستون، نویسنده یهودی، در کتاب انتظار مسیحا در آیین یهود می‌نویسد: ربانیون (علمای یهود) در مورد برانگیخته شدن مردگان در آخرالزمان تأکید می‌کردند؛ اما ظاهراً اندیشه روشن و مشخصی در مورد جزئیات آن نداشتند. برخی آن را فقط مخصوص بنی اسرائیل، برخی آن را برای همه مردگان و برخی هم آن را تنها شامل کسانی می‌دانستند که درستکار بودند یا شریعت را آموخته یا به علمای شریعت کمک کرده و یا به عقیده بعضی حداقل به یکی از دستورات تورات عمل کرده باشند و با توجه به بخش‌های میثاقی تلمود کسانی که وجود وعده رستاخیز را در کتاب مقدس انکار کنند، از آن بهره‌ای ندارند (گرینستون، ۱۳۷۷، ص ۶۹).

او همچنین می‌نویسد، تفکیک اعتقاد به رستاخیز مردگان از اندیشه مسیحایی یهود محال است و آن را دستاورد الهام‌های اصیل یهود می‌شمارد (گرینستون، ۱۳۷۷). در کتاب گنجینه‌ای از تلمود اعتقاد به رستاخیز به منزله یکی از اصول دین و ایمان یهود

۱. در آیین یهود، مجموعه تلمود در کنار تورات، مانند مجموعه احادیث در کنار قرآن، به منزله سنت و تفسیر کتاب، دومین منبع استخراج تعالیم دینی است.

۲. همچنین رک: کوهن، ۱۳۵۰، صص ۳۶۶ - ۳۶۸. در این باره یکی از آرای مطرح شده، از بین رفتن مرگ در دنیا، با استناد به آیه (کتاب اشعیا، ۲۵ : ۸) از کتاب مقدس است که در کتاب انتظار مسیحا در آیین یهود به‌عنوان یکی از دیدگاه‌ها بیان می‌شود (گرینستون، ۱۳۷۷، ص ۶۹). در صفحه‌های ۹۸ و ۹۹ این کتاب با طرح آرای ابن‌میمون، فیلسوف معروف یهودی، اعتقاد به رستاخیز مردگان در ایام ظهور مسیح، جزو اصول دین شمرده می‌شود؛ اما او و شاگردانش معتقد بودند، پس از رستاخیز مردگان، طبیعت به جریان خود ادامه داده، بیماری و مرگ در جهان وجود خواهد داشت و سعادت ابدی نیکان تنها در جهان آینده خواهد بود.

معرفی شده است و به نقل از بخش (سنهدرین، ۹۰الف) از تلمود، کسی که به رستاخیز معتقد نباشد و آنرا انکار کند، سهمی از رستاخیز نداشته، زنده نخواهد شد. در این کتاب، آیه (سفر اعداد تورات، ۱۸: ۲۸) یکی از آیات کتاب مقدس است، که علمای یهود در رد صادقان^۱ از آن استفاده می‌کردند، این آیه بر زنده شدن هارون در جهان آینده^۲ و تقدیم هدیه افراشتنی ملت اسرائیل به او، دلالت دارد؛ چراکه قبل از ورود بنی‌اسرائیل به سرزمین اسرائیل، او وفات یافت و وارد آنجا نشد (کوهن، ۱۳۵۰، ص ۳۶۳).

از دیگر آیات کتاب مقدس که در بخش‌های (سنهدرین، ۹۱ب و ۹۲الف) تلمود به‌عنوان آیاتی که بر بازگشت مجدد مردگان در آخرالزمان دلالت دارند، بیان شده است، آیه‌های (۱۲: ۲ و ۱۲: ۱۳) کتاب دانیال است (کوهن، ۱۳۵۰، ص ۳۶۵). شاهد دیگر درباره رستاخیز و بازگشت مجدد مردگان در ایام ظهور مسیحا از تلمود، در بخش (میشنا آووت، ۲: ۸)، در توضیح آیه (۶: ۲۲) کتاب امثال سلیمان، از کتاب مقدس درباره تورات آمده است که

۱. "صادوقیان" گروهی از یهود بودند که حدود سال ۱۰۵ تا ۱۳۵ قبل از میلاد به‌وجود آمدند و با تمسک به ظاهر مکتوب تورات، ضمن رد و مخالفت با بخش منقول شریعت، یعنی تلمود که به‌عنوان سنت بشمار می‌رود، معتقد بودند، در متن تورات نامی از رستاخیز برده نشده است. در مقابل آن، "فریسیان" به سنت نیز در کنار کتاب (تورات) اعتقاد داشتند و اکنون از قوم یهود، تنها گروه فریسیان باقی مانده‌اند (کوهن، ۱۳۵۰، ص ۱۰؛ اشتاین سالتز آدین، سیری در تلمود، صص ۳۷۹ - ۳۸۵، بحث: "اهمیت تلمود نزد قوم یهود").

۲. درباره کلمه «جهان آینده» در کتاب گنجینه‌ای از تلمود (ص ۳۵۷)، در توضیح عبارت «اوضاع جهان آینده مانند اوضاع جهان کنونی نخواهد بود...» از بخش (کتوبوت، ۱۱ب) تلمود، این عبارت بیان شده است که: «در اینجا و در اغلب موارد دیگر مقصود از جهان آینده دوران ماشیح است». عبارت دیگری که در صفحه ۳۶۴ این کتاب به‌صورت واضح‌تر بر رستاخیز مردگان در زمان ظهور مسیح دلالت دارد، قول ربان گملیثل به صادقان درباره آیه: (اما شما که به خداوند خدای خود ملحق شده‌اید همگیتان، امروز زنده‌اید) (سفر تثنیه تورات، ۴: ۴) از کتاب مقدس است که: «این واضح است که همگی شما امروز زنده هستید و احتیاج به گفتن ندارد بلکه باید گفت که حتی در روزی که همه اهل جهان مرده‌اند، شما زنده خواهید بود؛ یعنی همان‌طور که امروز همگی شما زنده و برپا هستید، همان‌گونه در جهان آینده نیز، همگی شما زنده و برپا خواهید بود» (سنهدرین، ۹۰ب) (کوهن، ۱۳۵۰، صص ۳۵۷ و ۳۶۴).

عبارت: «هنگامی که خوابیده‌ای (تورات) از تو نگهبانی خواهد کرد» به معنای تمام مدتی است که انسان در گور خفته است؛ و عبارت: «و وقتی که بیدار می‌شوی (تورات) با تو صحبت خواهد کرد»، به معنای ایام ماشیح در جهان آینده است (کوهن، ۱۳۵۰، ص ۳۷۲).^۱

براساس بعضی اقوال^۲ مسیح پس از چهارصد سال سلطنت، خواهد مرد تا پس از هفت روز مجدداً زنده شود و سپس باقیمانده نیکان نیز، زنده خواهند شد (سینگر، ۱۹۱۶، ص ۲۱۴). طبق تفسیر کتاب مقدس یهود یا میدراش، حزقیال در آخرالزمان در شیپور خود خواهد دمید و مردگان را زنده خواهد کرد؛ و ابتدا از کسانی آغاز خواهد شد که در کوه زیتون دفن شده‌اند (کیرش و هورویتز، ۲۰۰۶، ص ۳۴۱).

از آیات عهد عتیق که از آنها به منزله شاهدهی بر بازگشت دسته‌ای از مردگان به دنیا در زمان ظهور مسیح استفاده شده است، می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

۱. (کتاب حزقیال، ۳۷: ۱-۱۴): «... خداوند، یهوه، چنین می‌فرماید: اینک من قبرهای شما را می‌گشایم و شما را ای قوم من! از قبرهای شما در آورده به زمین اسرائیل خواهم آورد... و روح خود را در شما خواهم نهاد تا زنده شوید...» (ویگودر، ۱۹۹۲، ص ۸۷۰).

۲. (کتاب اشعیا، ۲۶: ۱۹): «مردگان تو زنده خواهند شد و جسد‌های من برخواهند خاست. ای شما که در خاک ساکنید! بیدار شده، ترنم نمایید...» (ویگودر، ۱۹۹۲، ص ۸۷۰).

۳. (کتاب دانیال، ۱۲: ۲): «... و بسیاری از آنانیکه در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی، و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی» (کوهن، ۱۳۵۰، ص ۳۶۵؛ به نقل از تلمود: بخش‌های سنهدرین، ۹۱ب و ۹۲الف).

۴. (کتاب دانیال، ۱۲: ۱۳): «اما تو به آخرت برو زیرا که مستریخ خواهی شد و در آخر این ایام در نصیب خود قائم خواهی بود». (همان، ص ۳۶۵؛ به نقل از تلمود: بخش‌های سنهدرین،

۱. با توجه به عبارت «در ایام ماشیح» منظور از جهان آینده همان آخرالزمان و در این دنیا است؛ نه قیامت؛ زیرا، در جای خود اثبات شده است که آنان معتقداند، ایام سلطنت ماشیح در همین دنیاست (ر.ک: امیری، محمدمقداد، آخرالزمان در تورات، انجیل و قرآن «پایان‌نامه کارشناسی ارشد»، دانشکده اصول دین، ۱۳۸۷).

۲. تلمود: (Gen. xv. 13)، (Ps. xc. 15)، (Pesik. R. 1) و (II Eds. vii. 28)

۹۱ و ۹۲ الف).

بحث دیگری که در اعتقادات یهودی به رجعت ارتباط دارد، آمدن "ایلیا" و مأموریت‌های او، مقارن ظهور مسیح موعود است. "ایلیا" یکی از انبیای بنی‌اسرائیل در قرن نهم قبل از میلاد و یکی از شخصیت‌های مهم کتاب مقدس و نماد نیکوکاری انسانی و نجات الهی بوده، طبق بیان قاموس الکتاب المقدس که یک منبع مسیحی است، نام او در یونانی «الیاس» است (قاموس الکتاب المقدس، ۱۹۷۱، ص ۱۴۴).^۲ طبق بیان کتاب عهد عتیق (عهد عتیق: کتاب دوم پادشاهان، ۲: ۱-۱۸)، ایلیای نبی پس از انتخاب الیشع به جانشینی، درحالی که زنده بود، به آسمان برده شد. در آیات (۳: ۶-۱ و ۴: ۱-۶) کتاب ملاکی از عهد عتیق، به بازگشت ایلیا به زمین، قبل از ظهور مسیحا و آمدن روز بزرگ خداوند اشاره شده است (ویگودر، ۱۹۹۲، ص ۸۶۹).

در کتاب گنجینه‌ای از تلمود (کوهن، ۱۳۵۰، صص ۳۵۱ - ۳۸۳) یکی از مواردی که درباره وضعیت جهان پیش از ظهور ماشیح از بخش‌های (سنهدرین، ۹۷ الف و ۹۸ الف)، (برشیت ربا، ۴۲: ۴) و (میدارش، ص ۶۶ ب) تلمود نقل شده است، ظهور ایلیاست که طبق پیشگویی بعضی از منابع یهودی، پیش از ظهور مسیحا خواهد آمد و نقش مهمی در آن عصر خواهد داشت.^۳ طبق اعتقاد سنت یهودی، ایلیا آمدن مسیحا را اعلان، جمع‌آوری آوارگان و پراکنده‌های یهود را آغاز، و مردگان را زنده خواهد کرد (کیروش و هارویتز، ۲۰۰۶، ص ۱۳۵) و براساس آیه (۳: ۱-۶) کتاب ملاکی، او قبل از روز عظیم خداوند خواهد آمد. بنابراین، یهودیان در سفره عید فصح که یکی از مراسم‌های مذهبی آنان است، همواره یک جای خالی به ایلیا اختصاص می‌دهند (قاموس الکتاب المقدس، ۱۹۷۱، ص ۱۴۵).

1. Elijah

۲. «ایلیا اسم عبری و معناه إلهی یهوه والصیغة اليونانية لهذا الاسم هي الیاس وتستعمل أحيانا في العربية وهو نبی عظیم عاش في المملكة الشمالية...».

۳. جولوس گرینستون در کتاب انتظار مسیحا در آیین یهود با نقل از منبع دیگر (Seder Olam Rabba ed. Ratner (wilna, 1897) آمدن ایلیا را پس از مسیحا نیز نقل کرده است (گرینستون جولوس، ۱۳۷۷، ص ۶۴).

از جمله فعالیت‌های او عبارت است از: تنظیم همه مفاد شریعت و تفسیر کتاب مقدس، تصحیح نسبت نامه‌هایی که با گذشت زمان تغییر یافته‌اند، به قتل رساندن سمائیل (شیطان) که سرچشمه تمام شرور است، واداشتن بنی‌اسرائیل به توبه حقیقی و بازگشت جهان غرق گناه به سوی خدا پس از آن، اجرای هفت معجزه که عبارت‌اند از: حاضر کردن موسی و نسل بیابان تیه نزد بنی‌اسرائیل؛ زنده کردن قارون و پیروانش؛ برانگیختن (زنده کردن) مسیحا بن یوسف؛^۱ بازگرداندن ظرف روغن مقدس و دیگر لوازم معبد؛^۲ نشان دادن عصایی که خدا به او عطا کرده است؛ خرد کردن کوه‌ها؛ آشکار ساختن راز بزرگ (قاموس الکتاب المقدس، ۱۹۷۱، صص ۶۳ تا ۶۵؛ به نقل از بخش‌های (Menahoth , 45a) و (Kiddushin , 71a) از تلمود و "The Jewish Encyclopedia").^۳

از آنجاکه عهد عتیق بخشی از کتاب مقدس مسیحیان، و عهد جدید بخش دیگر آن است، آنان براساس آیات عهد جدید، آمدن ایلیا قبل از روز بزرگ خداوند را به آمدن یحیی نبی عليه السلام قبل از عیسی بن مریم عليه السلام و بشارت او به آمدن عیسی عليه السلام ، تفسیر می‌کنند. طبق انجیل لوقا (لوقا، ۱: ۱۷) خداوند به زکریا عليه السلام وعده داد که یحیی (یوحنا معمدان) پیش از عیسی مسیح، با روح الیاس (ایلیا) خواهد آمد و طبق انجیل متی (متی، ۱۱: ۱۴؛ و ۱۷: ۱۰-۱۲) عیسی مسیح عليه السلام به شاگردان خود می‌گوید: الیاس (ایلیا) همان یحیی عليه السلام است (قاموس الکتاب المقدس، ۱۹۷۱، ص ۱۴۵).

نکته درخور توجه درباره بحث رجعت در دین یهود اینکه در مواردی از تلمود به‌عنوان تفسیر کتاب مقدس یهود، نقل شد که رجعت در همین دنیا و تنها برای نیکان است؛ اما با

۱. طبق نقل کتاب انتظار مسیحا، مسیحا بن یوسف در آیین یهود یک شخصیت مبهم تلمود است که در جنگ یاجوج و ماجوج کشته می‌شود؛ اما ایلیا او را زنده خواهد کرد (گرینستون جولیوس، ۱۳۷۷، ص ۶۳؛ به نقل از بخش‌های: (Eduyoth II , 10) و (Sukkah , 52a) از تلمود).

۲. طبق اعتقاد یهودیان پس از بازسازی اورشلیم و معبد آن و بازگرداندن ظروف مقدس "خیمه اجتماع"، هارون و فرزندان او زیر نظر موسی خدمت خواهند کرد (گرینستون جولیوس، ۱۳۷۷، ص ۶۸؛ به نقل از بخش (Yoma , 5b) از تلمود).

۳. البته در همین کتاب (ص ۶۴) با نقل از منبع دیگر ((Seder Olam Rabba ed. Ratner (wilna, 1897)) آمدن ایلیا، پس از مسیحا دانسته شده است.

توجه به نقل جولوس گرینستون، برخی از ربانیون، (علمای یهود) برانگیخته شدن مردگان در آخرازمان را فقط مخصوص بنی اسرائیل، برخی آن را برای همه مردگان و برخی تنها شامل درستکاران یا کسانی می‌دانستند که شریعت را آموخته یا به علمای شریعت کمک کرده، و به عقیده بعضی، حداقل به یکی از دستوره‌های تورات عمل کرده باشند.

همچنین در تلمود اشاره شد، که برخی از بدان نیز، برای مجازات به این دنیا باز خواهند گشت. یکی از این موارد، آیه (۲:۱۲) کتاب دانیال است. که عبارت است از:

«... و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد. اما اینان به جهت حیات جاودانی، و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی» (کوهن، ۱۳۵۰، ص ۳۶۵؛ به نقل از تلمود: بخش‌های سنهدرین، ۹۱ ب و ۹۲ الف).

البته در جاودانی بودن حیات و حقارت براساس نقل آیه مزبور جای بحث است؛ زیرا، در صورت ارتباط این آیه با رجعت، دلیل طرح مسئله جاودانه بودن چیست؟ عبارت «بسیاری از ...» می‌تواند بیانگر دلالت آیه بر رجعت باشد؛ چراکه می‌گوید، بسیاری از مردگان، نه همه آنان؛ و «جاودانی بودن» را می‌توان این گونه توجیه کرد که منظور، نعمتی است برای مؤمنان که به اندوه منتهی نشده، تا آخرت ادامه خواهد داشت؛ و عذاب کافران نیز، به آسایش بدل نشده، پس از آن عذاب آخرت خواهد بود.

مأموریت‌های ایلیا نیز، از مواردی است که پیش از ظهور مسیح موعود محقق خواهد شد. یکی از این مأموریت‌ها زنده کردن قارون و پیروان اوست. از این رو، این شواهد از تلمود و عهد عتیق، افزون بر بیان رجعت دسته‌ای از مؤمنان به دنیا، می‌تواند بیانگر رجعت دسته‌ای از کافران نیز، باشد که برای مجازات به دنیا بر خواهند گشت؛ یعنی رجعت برای دسته‌ای از مؤمنان و دسته‌ای از کافران است.

بررسی آیات انجیل‌ها و سایر کتب عهد جدید درباره رجعت

در منابع کنونی آیین مسیح، رجعت به معنای بازگشت نیکوکاران و مؤمنان برای درک زمان سلطنت مسیح است و از آن به قیامت اول تعبیر شده است. در پیشگویی‌های مسیحیان، رستاخیز مردگان بحثی است که با مسئله بازگشت مسیح ع از آسمان و سلطنت هزارساله او مرتبط است. براساس منابع مسیحیان، مسیح، در دو مرحله باز خواهد گشت: سلطنت

هزارساله در دنیا؛ و داوری نهایی در قیامت. همچنین رستاخیز مردگان در قیامت نیز، در دو مرحله قیامت اول و قیامت دوم (قیامت نهایی) خواهد بود.

دنیوی یا اخروی بودن سلطنت مسیح پس از بازگشت از آسمان، از جهتی به اعتقاد به دوره هزارساله در مسیحیت بر می‌گردد. تفسیر الكنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل^۱ در این باره می‌نویسد: إن المسیحین مختلفون فی وقت رجوعه و فی أنه هل یملک علی الأرض ملکا مشاهداً أو لا؛ لکنهم متفقون علی أنه لابد من أن یأتی ثانیة...^۲ (ادی، ۱۹۷۳، ج ۷، صص ۲۴۱-۲۴۲).

در کتاب التفسیر التطبیقی للعهد الجدید^۳ سه نظر از علمای لاهوت مسیحی در این باره بیان شده است که عبارت‌اند از:

۱. بازگشت مجدد مسیح به زمین بعد از گذشتن این هزار سال است. در پایان این هزار سال، شیطان مجدداً آزاد خواهد شد؛ اما در این زمان مسیح باز خواهد گشت، او را شکست خواهد داد و تا ابد سلطنت خواهد کرد.

۲. بازگشت مجدد مسیح به زمین قبل از این هزار سال و سلطنت او در طول مدت مزبور است. با پایان این هزار سال، سلطنت دنیوی او، به پایان رسیده، شیطان نیز، از بین خواهد رفت.

۳. هزار سال تنها رمزی است برای مدت زمان صعود مسیح به آسمان و بازگشت مجدد او. این دوران دوران کلیسا است؛ از این رو، سلطنت هزارساله مسیح، سلطنت او در قلب‌های مسیحیان و در کلیساست. این دوران با بازگشت مجدد مسیح پایان خواهد پذیرفت (بارتون، ۱۹۹۵، ص ۹۳۶).

۱. "الکنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل" یکی تفسیرهای انجیل‌ها و سایر کتاب‌ها و رساله‌های مجموعه عهد جدید است از ادی است که مجمع کلیساهای شرقی آن را منتشر کرده است.

۲. مسیحیان درباره زمان بازگشت مسیح و اینکه آیا او در زمین سلطنت خواهد داشت یا خیر، اختلاف دارند؛ اما همگی در حتمی بودن بازگشت مجدد او به زمین، متفق‌القول‌اند ...

۳. کتاب مزبور از دیگر تفسیرهای انجیل‌ها و سایر کتاب‌ها و رساله‌های مجموعه عهد جدید است که جمعی از عالمان مسیحی (بارتون بروس و ... و بانترز کینیث وهبه ویلیم و ...) آن را نوشته‌اند.

در کتاب الكنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل در ذیل شرح آیه سوم از باب بیستم مکاشفه یوحنا نظر دیگری نیز، مطرح شده است که بعضی معتقداند، مدت مزبور گذشته و اکنون زمانی است که شیطان آزاد شده و به گمراهی مردم می‌پردازد. به دلیل نقل اقوال مختلف و متفاوت در این باره، این کتاب هیچ‌یک از این آرا را درخور اعتماد و پذیرش نهایی نمی‌داند.^۱

جیمز انس امریکانی^۲ در کتاب نظام التعليم فی علم اللاهوت القویم نظر اول را برگزیده، آن را نظر جمهور مسیحیان می‌داند که براساس آن بازگشت مجدد مسیح همزمان با پایان یافتن دنیا، قیامت عمومی و از بین رفتن این زمین و پیدایش زمین جدید خواهد بود (انس امریکانی، ۱۸۹۰، ج ۲، ص ۵۰۸؛ علم اللاهوت النظامی، ص ۱۱۹۵). از این رو، اساساً مسیح در زمان برپایی قیامت و رستاخیز خلائق، به زمین باز خواهد گشت و اعمال او اعمال آخرتی است نه دنیایی. هنری تیسن^۳ در کتاب الهیات مسیحی ضمن بیان ادله‌ای، داوری^۴ مسیح درباره امت‌ها را به دو داوری تقسیم کرده، معتقد است، داوری بیان شده در انجیل متی (۲۵: ۳۱-۴۶)، کتاب اعمال رسولان (۱۷: ۳۱) و رساله دوم تسالوکیان (۱: ۷-۱۰) با داوری مزبور در مکاشفه یوحنا (۲۰: ۱۱-۱۵) متفاوت است؛ بنابراین، بازگشت مجدد مسیح، سلطنت و بخشی از اعمال آخرالزمانی او مربوط به همین دنیاست. داوری اول مسیح در ابتدای سلطنت هزارساله و داوری دوم، پس از آن خواهد بود که بیانگر دنیایی بودن سلطنت اوست. او نه دلیل برای اثبات این مطلب، ارائه می‌کند.

هنری تیسن می‌گوید: این تفاوت‌ها به‌وضوح، بیانگر وجود دو داوری مختلف است؛ پس، روشن است که امت‌ها داوری خواهند شد تا در صورت امکان در ملکوت هزارساله پذیرفته شوند (تیسن، بی‌تا، صص ۳۴۲-۳۴۳). بنابراین، اثبات دو داوری برای مسیح مستلزم دنیایی بودن سلطنت هزارساله او پیش از قیامت است. متن کتاب "The New Bible Dictionary" در ذیل واژه "Eschatology" در توضیح هزاره‌گرایی یا Millennialism نیز به گونه‌ای است که بیانگر تأیید

۱. الكنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل، ۱۹۷۳، ج ۸، ص ۵۱۸: "ونظراً لكثرة الآراء فی هذا الأمر نرى الأحسن أن

لا نعتمد رأياً منها ونتكل على عناية الله حتى يفسر لنا المعنى الذى قصده الروح القدس".

۲. جیمز انس امریکانی از متکلمان مذهب پروتستان مسیحی است.

۳. هنری تیسن از متکلمان مذهب پروتستان مسیحی است.

4. Judgement

نظر هنری تیسن است.^۱ در کتاب "The Oxford Dictionary of The Christian Church" نیز، واژه "Chiliasm" به عنوان نام دیگر "Millenarianism" به صورت بازگشت مسیح به زمین و سلطنت هزار ساله پیش از پایان دنیا معنا شده است.^۲

در توضیح وجود دو رستاخیز برای مردگان، در کتاب التفسیر التطبیقی للعهد الجدید دو نظر از علمای لاهوت مسیحی برای قیامت اول نقل شده است (التفسیر التطبیقی للعهد الجدید، ص ۹۳۷):

۱. قیامت اول تنها رستاخیز روحی ارواح، برای سلطنت هزار ساله‌ای است که مؤمنان با مسیح خواهند داشت؛ سلطنت روحی او در فاصله زمانی صعود او به آسمان و بازگشت مجدد او بوده، قیامت دوم، رستاخیز جسدی تمام بشر برای داوری است. طبق این نظر، همه مؤمنان اکنون کاهنان خداوند بشمار می‌آیند؛ زیرا مسیح، اکنون بر قلب‌ها حکومت می‌کند.

۲. قیامت اول پس از به بند کشیده شدن شیطان واقع خواهد شد. این قیامت رستاخیز جسدی مؤمنان (یعنی رجعت به دنیا) است که با مسیح [پس از بازگشت او از آسمان] هزار سال در زمین حکومت خواهند کرد و در پایان هزار سال، رستاخیز بقیه مردگان برای داوری غیرمؤمنان صورت خواهد گرفت.

در آیات زیر از عهد جدید، به زنده شدن مردگان در زمان بازگشت مسیح از آسمان اشاره شده است. ابتدا در ذیل این آیات نظر برخی از تفاسیر مسیحی مانند: "الکنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل"، "The Interpreter's One-Volume Commentary on the Bible"، "التفسیر

1. "The Revelation pictures the victory of God's kingdom over Satan occurring in two stages. Satan who has already been bound by Christ (Mt.xii.29) will be further curbed before his final destruction in the lake of fire (Rev.xx.10). at the parousia he will be bound and imprisoned that he may not deceive the nations(Rev.xx.1-3). Christ will reign with his resurrected saints for a thousand years (Rev.xx.4) over the earth (Rev.v.10. rsv., cf.Mt.xix.28., 2time.ii.12.cf.o. cullmann, in the early church, 1956, pp.112ff). this view is called 'Millennialism' or 'pre- Millennialism'. 'Chiliasm' designates the same view but this word has usually been used of views which over-emphasize the materialistic side of the millennium. Thus understood the millennium is an extension of the present reign of Christ. This view is supported in 1Cor.xv.23-28 where there are three stages in the victory of God's kingdom: the resurrection of Christ, his parousia and the telos or end (cf.c.t.craig.ib,x,237ff.)" (Douglas J.D. , 1976 , "Eschatology") .

2. Chiliasm ... Another name for Millenarianism, the theory that Christ will return to earth and reign here for a thousand years before the final consummation of all things ... (CROSS F.L. The Oxford Dictionary of The Christian Church, "Chiliasm").

التطبیقی للعهد الجديد" و "Peake's Commentary on the Bible" بیان شده، در پایان، نظر آن دسته از دانشمندان و متکلمان مسیحی ای بیان می‌شود که به رجعت مؤمنان به دنیا اعتقاد دارند. آیاتی که از عهد جدید نقل می‌شود، بر زنده شدن دسته‌ای از مردگان در زمان بازگشت مسیح از آسمان دلالت دارند؛ اما به دلیل اختلاف در زمان بازگشت مسیح از آسمان، دسته‌ای از مسیحیان رجعت بخشی از مردگان به دنیا را پذیرفته‌اند.

آیاتی از عهد جدید که به بازگشت دسته‌ای از مردگان به دنیا اشاره کرده‌اند عبارت‌اند از:

۱. (انجیل متی، ۱۹: ۲۸): «عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می‌گویم، شما که مرا متابعت نمودید در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند شما نیز، به دوازده کرسی نشسته بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود» (داگلاس، ۱۹۷۶).

در الكنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل آمده است، در این آیه به زمان بازگشت مجدد مسیح اشاره شده است که زمان شکوه و عزت او و روز زنده شدن مردگان است؛ بنابراین، پاداش آنان در این دنیا نیست؛ و همان‌گونه که در عهد جدید در رساله دوم پطرس (۳: ۱۳) بیان شده است، این روز، روز منتظری است که در آن زمین و آسمان تغییر کرده، جدید خواهند شد. عبارت عربی‌ای که در این آیه برای معاد استفاده شده عبارت است از: «... وذلک التجدید یکون یوم قیامة الموتی» (الکنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل، ج ۱، صص ۲۸۷، ۲۲۷ - ۳۲۸ و ۴۳۷؛ ذیل آیه: (انجیل متی، ۲۵: ۳۱)). در همین تفسیر، در تفسیر روز تجدید آسمان و زمین بیان شده است که مشخص نیست زمان آمدن مسیح به زمین جدید برای سکونت در آن با قدیسان، قبل از داوری باشد (همان، ج ۸، ص ۲۸۷؛ (رساله دوم پطرس، ۳: ۱۳)).^۱

۲. (انجیل متی، ۲۴: ۳۰-۳۲): «... و پسر انسان را بیند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده برگزیدگان او را ... از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد» (داگلاس، ۱۹۷۶).

۱. «انه كما ان العلم تطهر قديما بالماء من الأشرار كذلك يطهر بالنار الى الأبد... فالرسول لم يقل شيئاً يدل على اتیان المسيح الى الأرض الجديدة ليسكن مع قديسيه قبل الدينونة... فإذا قصد الله ان يسكنها القديسون كانت حينئذ موافقة لأجساد الناس بعد القيامة...».

در تفسیرهای الكنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل و التفسیر التطبیقی للعهد الجدید، این عبارات به تفسیر (رساله اول تسالوکیان، ۴: ۱۵-۱۷)، نهمین شاهد از رساله‌های عهد جدید درباره رجعت، ارجاع داده شده است.^۱ در یکی از عبارات رساله اول تسالوکیان، ۴: ۱۵-۱۷، چنین آمده است: «... مردگان در مسیح، اول خواهند برخاست ...». برخاستن نخست مؤمنان برای استقبال مسیح در بازگشت او حداقل، بر تقدم رستاخیز آنان نسبت به دیگران دلالت دارد. و اگر سلطنت مسیح را تأویل نکنیم، این آیات به وضوح بیانگر قیامت اول جسدی مؤمنان یا رجعت آنان است.

۳. (انجیل یوحنا، ۵: ۲۸-۲۹): «ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری» (داگلاس، ۱۹۷۶).

بر اساس اعتقاد مسیحیان، در زمان بازگشت مسیح ﷺ کسانی که به او ایمان آوردند، برای زندگی ابدی، و کسانی که با او مخالفت ورزیدند، برای مجازات زنده خواهند شد (بارتون، ۱۹۹۵، صص ۳۳۱-۳۳۲). منظور از عبارت «ساعتی می‌آید» روز پایانی دنیا، و ندادنده آن خود مسیح است. علت نامیده شدن قیامت نیکان به قیامت حیات، شراکت نیکان با مسیح در حیات باشکوه او بوده، حیات دربرگیرنده همه خیر، برکت، قداست و سعادت است؛ و علت نامیده شدن قیامت بدان به قیامت داوری، مجازات و عقوبت بدکاران است (ادی، ۱۹۷۳، ج ۳، صص ۸۳-۸۴).

۴. (انجیل یوحنا، ۶: ۳۹-۴۰): «و اراده پدری که مرا فرستاد این است که از آنچه به من عطا کرد چیزی تلف نکنم؛ بلکه در روز بازپسین آن‌را برخیزانم و اراده فرستنده من این است که هر که پسر را دید و بدو ایمان آورد، حیات جاودانی داشته باشد و من در روز بازپسین او را خواهم برخیزانید» (داگلاس، ۱۹۷۶).

طبق تفسیر مسیحیان عبارت «از آنچه به من عطا کرد چیزی تلف نکنم»، بدان معناست که

۱. یعنی همان تفسیر برای این قسمت بیان می‌شود (ادی، ۱۹۷۳، ج ۱، صص ۴۰۳-۴۱۸؛ بارتون، ۱۹۹۳، صص ۹۱-۹۴).

ایمان آورنده به مسیح، به وعده حیات ابدی خواهد رسید. کسی که به عیسی مسیح ایمان آورد، در زمان آمدن مجدد مسیح، برای زندگی ابدی زنده خواهد شد (بارتون، ۱۹۹۵، ص ۳۳۵). در تفسیر "Peake's Commentary on the Bible" چنین آمده است که این دو آیه از انجیل یوحنا در صدد بیان حال نیکان بوده، درباره بیان وضعیت بدان ساکت اند. (Peake's Commentary on the Bible, p.852) این بدان معناست که در اینجا، عدم توجه به بدکاران معنای خاصی ندارد.

براساس تفسیر الكنز الجلیل فی تفسیر الانجیل، عدم توجه به نحوه قیامت بدان نیز، دلیل زنده نشدن آنان نیست؛ بلکه در اینجا تنها بیان وضعیت نیکان مد نظر بوده است (ادی، ۱۹۷۳، ج ۳، ص ۱۰۲).

بیان عدم دلالت این عبارات بر زنده نشدن بدکاران، به جهت اعتقاد به وجود یک رستاخیز نهایی برای همگان است؛ اما براساس نظر دیگر مسیحیان که به رجعت اعتقاد دارند و تفصیل آن با توجه به برخی از آیات عهد جدید و دیگر شواهد بیان خواهد شد، نخست مؤمنان زنده شده، رستاخیز آنان رجعت به دنیا خواهد بود.

۵. (انجیل یوحنا، ۶: ۴۴): «کسی نمی تواند نزد من آید مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند و من در روز بازپسین او را خواهم برخیزانید» (داگلاس، ۱۹۷۶).
یعنی، کسی ایمان آورده، به آن عمل می کند که خداوند این توفیق را به او عنایت کرده باشد (ادی، ۱۹۷۳، ج ۳، ص ۱۰۳).

۶. (رساله اول قرنطیان، ۱۵: ۲۳-۲۴): «... در مسیح همه زنده خواهند گشت؛ لیکن هرکس به نوبه خود؛ مسیح نوبر است و بعد آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح می باشند و بعد از آن انتهاست وقتی که ملکوت را به خدا و پدر بسپارد و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید» (داگلاس، ۱۹۷۶).

طبق تفسیر، در این بخش از رساله اول پولس به قرنطیان، زنده شدن در مسیح برای همه مؤمنان است و منظور از آن زندگی ابدی و جاوید است؛ زیرا اشرار و بدان به حیات جاوید نخواهند رسید. منظور از وقت آمدن او زمان بازگشت مجدد مسیح است. و منظور از «بعد از آن»، بعد از آمدن دوم مسیح و قیامت است که پایان نظام کنونی دنیا خواهد بود.

نظر بعضی در اینجا این است که پایان دنیا، بعد از قیامت نیکان است؛ زیرا پولس در اینجا قیامت بدان را در نظر ندارد (ادی، ۱۹۷۳، ج ۶، صص ۱۸۸-۱۸۹)؛ اما همین تفسیر براساس این عبارت پایان دنیا و بازگشت مجدد مسیح را در یک زمان دانسته است؛ توجیهی که پولس آن را بیان نکرده، تنها به بیان سه مسئله قیامت مسیح^۱، قیامت امت او و پایان دنیا که در پی هم خواهند آمد، پرداخته، به وقوع مسئله‌ای بین قیامت امت او و پایان دنیا اشاره‌ای نکرده است. با توجه به آیات مختلف انجیل، بازگشت مسیح به دنیا، قیامت و داوری همزمانند (ادی، ۱۹۷۳، ج ۶، صص ۱۸۸-۱۸۹). براساس التفسیر التطبیقی للعهد الجدید (ص ۵۹۸) ترتیب سه حادثه مزبور، ترتیب زمانی نیست.

۷. (رساله فیلیپیان، ۳: ۱۱): «... مگر به هر وجه، به قیامت از مردگان برسم» (داگلاس، ۱۹۷۶، ص ۴۷).

براساس نظر التفسیر التطبیقی للعهد الجدید در تفسیر این عبارت از رساله فیلیپیان، که روزی خواهد آمد که مؤمنان با مسیح در شکوه او شریک خواهند شد، به زندگی دوم و مجدد پس از مرگ اشاره شده است. (التفسیر التطبیقی للعهد الجدید، ص ۶۸۷) بنابر تفسیر الکنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل در این عبارت به قیامت اول (مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۴ - ۶) که قیامت روحی است نه حقیقی، اشاره شده است. (ادی، ۱۹۷۳، ج ۷، ص ۲۳۵).

۸. (رساله اول تسالوکیان، ۳: ۱۳): «تا دل‌های شما را استوار سازد بی‌عیب در قدوسیت به حضور خدا... در هنگام ظهور عیسی مسیح با جمیع مقدسین خود» (داگلاس، ۱۹۷۶، ص ۶۴). طبق تفسیر مسیحیان، در زمان بازگشت مجدد مسیح، تمام مؤمنان از مردگان و زندگان باهم جمع می‌شوند و با او در ملکوتش قرار خواهند گرفت. (بارتون، ۱۹۹۵، ص ۷۲۱).

۹. (رساله اول تسالوکیان، ۴: ۱۵-۱۷): «... خدا آنانی را که در عیسی خوابیده‌اند با وی خواهد آورد ... ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست؛ زیرا خود

۱. قیامت مسیح اعتقادی است که مسیحیان درباره حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام دارند. بدین صورت که: عیسی بن مریم بر صلیب کشته و فدا شد. او سه روز پس از خاک‌سپاری، زنده شد و از قبر بیرون آمد (قیامت کرد) و به آسمان برده شد. اعتقاد مسیحیان به مسئله فدا شدن و مرگ حضرت عیسی برای آموزش خطاهای خلق خدا و برخاستن او از قبر، از نظر قرآن باطل است (ر.ک: نساء/۱۵۷).

خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح، اول خواهند برخاست؛ آنگاه ما که زنده و باقی باشیم با ایشان در ابرها روده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود» (داگلاس، ۱۹۷۶، ص ۶۵).

براساس التفسیر التطبیقی للعهد الجدید که جزء آن دسته از تفاسیری است که رجعت مؤمنان به دنیا را تأویل می‌کنند، این عبارت‌ها بیانگر مشخص کردن زمان زنده شدن مردگان و وقایعی که در زمان بازگشت مجدد مسیح روی خواهد داد نیست؛ بلکه به جهت تعزیت و تسلی مؤمنان هنگام مرگ هریک از محبوبانشان است (بارتون، ۱۹۹۵، ص ۷۲۱). براساس نظر الکنز الجلیل... مردگانی که از مؤمنان باشند، قبل از تغییر زندگان و روده شدن آنان در ابرها، در زمان آمدن مسیح برای استقبال او، زنده خواهند شد. براساس تفسیر مزبور، این عبارات به قیامت اول که در مکاشفه یوحنا (۲۰: ۵-۶)، بیان شده است، اشاره‌ای ندارد (ادی، ۱۹۷۳، ج ۷، صص ۳۳۷-۳۳۸).

در تفسیر Peake's Commentary on the Bible این عبارات بدین صورت تفسیر شده‌اند: چون پولس آمدن مجدد مسیح را بسیار نزدیک می‌دید و امید داشت که تا آن زمان زنده بماند و آمدن مجدد مسیح را ببیند، این عبارت را به منظور تسلی دادن به مسیحیان تسالوکی نه توصیف واقعی از پایان جهان بیان کرده است. پولس درصدد است مسیحیان تسالوکی تفاوت نزدیکی^۱ زمان آمدن مسیح و فوری بودن^۲ آن را درک کنند (Peake's Commentary on the Bible, p.999).

برخی از تفاسیر نیز، معتقداند، پولس توقع داشت که تا بازگشت مسیح زنده بماند و او را درک کند. مسیحیان اولیه عموماً، توقع داشتند، مسیح، به زودی بیاید. تأکید پولس بر عدم سبقت ما که زنده‌ایم بر مردگان، بیانگر ترتیب حقیقی در تقدم زمانی افراد بر یکدیگر نیست؛ بلکه بیانگر سهم بودن مردگان در این حادثه است. در اینجا به حکومت آخرالزمانی مسیح در زمین که در مکاشفه یوحنا (۲۰: ۴-۶)، بیان شده است، اشاره‌ای نکرده است (The Interpreter's One-Volume Commentary on the Bible, pp.871-872).

-
1. Imminence
 2. Immediacy

همان‌گونه که در توضیح آیه (۲۴: ۳۰-۳۲) انجیل متی، بیان شد، صریح عبارت «... مردگان در مسیح، اول خواهند برخاست ...» در (رساله اول تسالوکیان، ۴: ۱۵-۱۷)، تقدم رستاخیز مؤمنان نسبت به دیگران است؛ به طوری که اگر سلطنت مسیح را تأویل نکنیم، قیامت اول، جسدی خواهد بود؛ یعنی رجعت مؤمنان، مدلول واضح این آیات است. این مطلب در نقل عبارات هنری تیسن از متکلمان مسیحی که معتقد به رجعت مؤمنان به دنیاست، خواهد آمد.

۱۰. (مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۴-۶): «... و آنانی که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان

او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند زنده شدند و با مسیح، هزار سال سلطنت کردند ...».

براساس کتاب الكنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل کتاب مکاشفه یوحنا کتابی رمزگونه بوده، بیانگر حقیقت‌های واقعی نیست؛ مانند اژدها و مهرها و ... بنابراین، قیامت اول در مکاشفه، قیامت روحانی است نه حقیقی، معنای آن این است که شهدا با روحشان زنده می‌شوند نه با جسد؛ و روح آنان در تمام مؤمنان ظاهر می‌شود. وجود این روح در کلیسا سزاوار است که قیامت اول نامیده شود؛ یعنی تعبیر قیامت اول مقابل مرگ دوم است، نه قیامت دوم عمومی و جسدی (ادی، ۱۹۷۳، ج ۸، ص ۵۱۹).

پیش‌ازاین، بیان شد که براساس کتاب التفسیر التطبیقی للعهد الجدید علمای لاهوت مسیحی درباره قیامت اول دو نظر متفاوت ارائه داده‌اند. دسته‌ای قیامت اول را رستاخیز روحی ارواح، و سلطنت هزارساله مؤمنان با مسیح را سلطنت روحی در زمان بین صعود به آسمان و بازگشت مجدد او، و قیامت دوم را رستاخیز جسدی تمام بشر برای داوری می‌دانند؛ و دسته‌ای دیگر، قیامت اول را پس از زندانی شدن شیطان و رستاخیز جسدی (رجعت) برای مؤمنان می‌دانند که با مسیح، هزارسال در زمین حکومت خواهند کرد و رستاخیز سایر مردگان، در پایان هزارسال، برای داوری غیرمؤمنان صورت خواهد گرفت (بارتون، ۱۹۹۵، ص ۹۳۷).

مؤمنانی که در قیامت اول زنده شده‌اند هراسی از مرگ دوم ندارند. منظور از مرگ دوم،

مرگ روحی، یعنی جدایی و دوری ابدی از خداست (بارتون، ۱۹۹۵، ص ۹۳۷).

در تفسیر *The Interpreter's One-Volume Commentary on the Bible* چنین آمده

است که منظور از این عبارات در کتاب مکاشفه یوحنا برخاستن شهیدان مسیحی از میان مردگان برای سهیم شدن در حکومت مسیح است. از این رو، بقیه مردگان، چه نیکوکاران و چه بدکاران، پس از دوره هزارساله سلطنت مسیح زنده خواهند شد. زنده شدن این گروه انتخاب

شده از شهدا می‌تواند به رستاخیز اول توصیف گردد. برای آنان که در این حکومت مسیح سهیم هستند، قداست و میمنت اعلان می‌شود. فرمانروایی هزارساله با مسیح، نمونه‌ای از سعادت بی‌پایان آنان است؛ زیرا، برای آنان مرگی در پایان این دوره وجود نخواهد داشت.^۱

در تفسیر Peake's Commentary on the Bible نیز، آمده است: «[تأویل] رستاخیز اول و روحانی دانستن آن [و واقعی دانستن تنها] رستاخیز دوم و تحت اللفظی معنا کردن آن، تفسیر صحیحی نیست».^۲ این تفسیر نیز، رستاخیز اول را در همین دنیا، واقعی و جسدی (نه روحانی) و مخصوص شهدا می‌داند (Peake's Commentary on the Bible, pp.1057-1058).

همان‌گونه که واضح است، طبق بیان این دو تفسیر، شهدا پیش از برپایی رستاخیز نهایی به دنیا رجعت خواهند کرد و در آن مسئله غیر واقعی یا روحانی بودن بازگشت و یا رمزی بودن عبارات، مطرح نیست.

تا اینجا آیات عهد جدید و تفاسیری که در ذیل آیات یادشده بیان شده است، بازگو گردید. براساس نظر برخی از تفاسیر، مانند: التفسیر التطبیقی للکتاب المقدس و الكنز الجلیل فی تفسیر الانجیل و نظر کسانی چون نویسندگان قاموس الكتاب المقدس و جیمز انس الامریکانی در کتاب نظام التعليم فی علم اللاهوت القویم، که حوادث همزمان با بازگشت مسیح از آسمان را قیامت، داوری نهایی و پایان جهان دانسته، مأموریت مسیح را تنها مأموریت اخروی در نظر گرفته‌اند، تنها یک رستاخیز که همان قیامت عمومی است وجود دارد (عبدالملک، ۱۹۷۱، ص ۷۵۰؛ انس الامریکانی، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۵۰۵؛ دار الثقافة المسيحية، ۱۹۷۱، ص ۱۱۹۲).

اما دسته‌ای دیگر از تفاسیر مانند Peake's Commentary on the Bible و The Interpreter's One-Volume Commentary on the Bible، حداقل درباره برخی

1. ... The company of Christian martyrs is raised from the dead to share these reign with Christ. Since the rest of the dead - both the righteous and unrighteous - are not to be raised until after the millennium, the raising of the select group of martyrs can be described as the first resurrection. Those who share in it are declared blessed and holy. There millennial rule with Christ is a foretaste of their eternal felicity, for they will not die at the end of that era (The Interpreter's One-Volume Commentary on the Bible, p.966).

2. It is not sound exegesis to spiritualise the first resurrection and yet to take the second literally.

آیات نقل شده از عهد جدید و نیز، برخی علمای مسیحیت و متکلمان آنان، نظری خلاف آن دارند. آنان بر این عقیده‌اند که رجعت و بازگشت جسدی بخشی از مردگان به دنیا، پیش از رستاخیز نهایی و در همین دنیاست.

نکته درخور توجه اینکه آن دسته از مسیحیانی که مخالف نظریه وجود دو قیامت جسدی برای مردگان و سلطنت دنیوی مسیح و رجعت مؤمنان به دنیا پیش از قیامت‌اند، برای مخالفت خود دلیلی اقامه نکرده، تنها به این بیان که جمهور مسیحیت به آن معتقداند، اکتفا می‌کنند؛ درحالی‌که طرفداران معتقدان به رجعت براساس شواهدی از عهد جدید و ادله دیگری که با ظاهر عبارات عهد جدید سازگاراند، آن را پذیرفته‌اند.

هنری تیسن از متکلمان مذهب پروتستان مسیحی، در کتاب الهیات مسیحی با ارائه دلیل، دو رستاخیز جسدی - یکی رجعت مؤمنان مسیحی به دنیا و دیگری رستاخیز نهایی سایر مردگان در قیامت - را اثبات می‌کند. او در اثبات زنده شدن جسدی و بازگشت مؤمنان؛ یعنی همان رجعت آنان در زمان سلطنت مسیح به دنیا می‌نویسد:

«... یک رستاخیز همگانی که همه در یک زمان قیام کنند وجود ندارد ... رساله اول تسالوکیان (۴: ۱۶) نشان می‌دهد که وقتی عیسی مسیح در هوا بیاید تنها خوابیدگان در مسیح برخیزانده خواهند شد. اصطلاح در مسیح به معنی اتحاد اصولی و روحانی با مسیح است. پولس هم، رستاخیز اول را محدود به ایمان‌داران می‌داند ...» [رساله] اول قرنتیان، ۱۵: ۲۳. پولس به رستاخیز ایمان‌داران و بی‌ایمانان معتقد بود؛ ولی تعلیم نمی‌داد که هر دو باهم قیام خواهند کرد. [انجیل] یوحنا (۵: ۲۷ و ۲۸) به دو نتیجه رستاخیز اشاره نمی‌کند بلکه معلوم می‌کند که دو رستاخیز وجود دارد؛ یکی قیامت حیات و دیگری قیامت داوری (تیسن، بی‌تا، ص ۳۶۷).

او با نقل شواهد روشن‌تری از عهد جدید برای اثبات رجعت مؤمنان به دنیا می‌نویسد: «احتمالاً روشن‌ترین اشاره‌ای که به دو رستاخیز وجود دارد، مکاشفه یوحنا (۲۰: ۴-۶) است. همچنین، رساله عبرانیان (۱۱: ۳۵) که درباره کسانی سخن می‌گوید که خلاصی را قبول نکردند تا به قیامت نیکوتر برسند، این موضوع را تأیید می‌نماید... روشن است که رستاخیز اول وقتی واقع خواهد شد که مسیح در هوا بیاید [رساله] اول قرنتیان، ۱۵: ۲۳؛ [رساله] اول تسالوکیان، ۴: ۱۶) و تمام مقدسین این دوره قیام نمایند. مقدسان عهد عتیق و مقدسانی که در

دوره مصیبت عظیم^۱ کشته شده‌اند، هم‌زمان با آمدن مسیح به زمین، زنده شده (دانیال، ۱۲: ۱-۲؛ مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۵ و ۱۱-۱۳)، رستاخیز اول کامل خواهد شد. دومین رستاخیز بعد از هزارسال صورت خواهد گرفت. (مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۵ و ۱۱-۱۳) ... (تیسن، بی‌تا، ص ۳۶۷).

تیسن همچنین در قسمت دیگر این کتاب می‌نویسد: «... (رساله) [اول تسالوکیان، ۴: ۱۶] ... (انجیل) [یوحنا، ۱۱: ۲۵] ... (رساله) [اول قرنتیان، ۱۵: ۳۵] ... این آیات نشان می‌دهد که در موقع آمدن مسیح در ایمان‌داران چه تغییری حاصل خواهد شد؛ مردگان زنده خواهند شد و زندگان برای زندگی باقی خواهند گردید. رستاخیز همگانی وجود ندارد که در آن تمام مردگان باهم برخیزند؛ هرچند [انجیل] یوحنا (۵: ۲۸-۲۹) ممکن است ظاهراً به معنی رستاخیز همگانی باشد؛ ولی نمی‌گوید که عده‌ای دارای حیات خواهند شد و دیگران دادرسی خواهند گردید بلکه می‌گوید که عده‌ای برای قیامت حیات و عده‌ای دیگر برای قیامت داوری زنده خواهند شد. ... چنین به نظر می‌رسد که دانیال (۱۲: ۲) هم به دو رستاخیز بدنی اشاره می‌نماید [که] یک رستاخیز برای حیات و یک رستاخیز برای موت وجود دارد. طبق مکاشفه یوحنا (۲۰: ۴ - ۷) بین رستاخیز اول و رستاخیز دوم یک‌هزار سال فاصله وجود دارد» (تیسن، بی‌تا، صص ۳۳۴-۳۳۵).

هنری تیسن نظر کسانی که آیاتی از عهد جدید را - که بر رجعت دلالت دارد - تأویل می‌کنند، چنین رد می‌کند: «عده‌ای معتقداند که مقصود از قیامت اول که در باب بیستم مکاشفه یوحنا از آن یاد شده است، عبارت است از نجات روحانی (مقایسه شود با: یوحنا، ۵: ۲۴-۲۶) و بعد از آن، قیامت کلی انجام خواهد شد. اگر شخصی دارای قیامت اول یا روحانی باشد، نباید از مرگ ثانی بترسد؛ ولی این تفسیر صحیح نیست؛ زیرا متخصص معروف زبان یونانی به نام آلفورد چنین می‌گوید [که]: صحیح نیست بگوییم در جاهایی که دو قیامت ذکر شده است، اولی به معنای روحانی است و دومی به معنای جسمانی. اگر قیامت اول روحانی باشد باید قیامت دوم هم

۱. طبق بیان هنری تیسن، منظور از مصیبت عظیم، حدفواصل زمانی آمدن مسیح در هوا و آمدن مسیح به زمین است که در (متی، ۲۴: ۲۲) آمده است، این دوره به خاطر برگزیدگان، کوتاه خواهد بود (تیسن، ص ۳۴۴). در صفحات ۳۳۴-۳۳۵ این کتاب با استناد به مواردی از عهد جدید مانند: رساله اول تسالوکیان (۴: ۱۷) و رساله اول قرنتیان (۱۵: ۵۰) اشاره شده است که با آمدن مسیح در هوا، مؤمنان به طرف او در ابرها ربوده می‌شوند تا از او استقبال کنند.

روحانی باشد که البته چنین نظری مردود است به همین دلیل، من همراه کلیسای اولیه و بهترین مفسران عصر حاضر معتمد، هر دو قیامت جسمانی است» (تیسن، بی تا، صص ۳۳۴-۳۳۵).

او سپس در ادامه با بیان شاهی از رساله پولس به فیلیپیان از عهد جدید می گوید: «اضافه می کنیم پولس که اشتیاق داشت به آن برسد (رساله [فیلیپیان، ۳: ۱۱] لازم نبود که برای رسیدن به قیامت همگان اشتیاق داشته باشد؛ زیرا کتاب مقدس نشان می دهد که تمام مردم چه بخواهند و چه نخواهند قیام خواهند کرد؛ ولی حتی در قیامت اول هم مراحل وجود دارد. مراحل مختلف قیامت اول عبارتند از: قیام خداوند ما عیسی مسیح (اول قرنیتان، ۱۵: ۲۳)، ربوده شدن کلیسا وقتی مسیح برای خاصان خود می آید، (یوحنا، ۱۴: ۳؛ [رساله] اول قرنیتان، ۱۵: ۵۱-۵۴؛ [رساله] دوم تسالونیکان، ۲: ۱) قیام دو شاهد در بلای عظیم (مکاشفه یوحنا، ۱۱: ۱۱-۱۲) و قیام مقدسین عهد عتیق و ایمانداران دوره مصیبت. (دانیال، ۱۲: ۲ و مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۴-۵) حتی قیام بعضی از مقدسین در موقع قیام مسیح را هم باید جزئی از این قیامت اول دانست. (متی، ۲۷: ۵۲-۵۳) (تیسن، بی تا، صص ۳۳۴-۳۳۵).

بنابراین، همان گونه که ملاحظه شد، نظر منابع تفسیری یا کلامی مسیحی درباره رجعت بخشی از مردگان به دنیا پیش از قیامت، دو دسته است. دسته ای آن را با توجه به شواهد موجود در عهد جدید و سایر شواهد پذیرفته اند و معتقداند، زمان بازگشت مسیح از آسمان، پیش از قیامت نهایی همه مردگان و در همین دنیا است. آن حضرت به دنیا بازگشته، در زمین همراه با مؤمنان یا حداقل شهدا، حکومت می کند و مؤمنانی که مرده اند یا تنها شهدا در آن زمان زنده می شوند و به دنیا باز می گردند تا شاهد عظمت و شکوه آن زمان بوده، در آن سهیم باشند.

نظر آن دسته از مسیحیان که رجعت را پذیرفته اند، از آن جهت صحیح تر به نظر می آید که براساس ادله و شواهد موجود در نصوص مقدس بوده، با ظاهر عبارات عهد جدید نیز، سازگار است؛ اما مخالفان رجعت در عدم اعتقاد به رجعت - برخلاف ظاهر عبارات عهد جدید - تنها به اعتقاد جمهور مسیحیت (از نظر خودشان) اکتفا می کنند.

بررسی آیات قرآن درباره رجعت

مسئله رجعت در برخی از آیات قرآن مطرح شده است. نکته مهم و درخور توجه، ارتباط آیات مربوط به رجعت، با آیات مربوط به ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و قیامت است. طبق

بیان کتاب بحارالانوار و تفسیر المیزان، اغلب آیات مربوط به قیامت، در روایات از نظر تفسیر، گاه بر قیامت، گاه بر ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و گاه بر رجعت دلالت دارند و حکم بیان شده درباره هریک از آنها، برای بقیه نیز، صادق است؛ چون ظهور پاره‌ای از حقایق در این سه رویداد، مشترک‌اند و تفاوت آنان با یکدیگر در شدت و ضعف ظهور حقایق مزبور در آنهاست،^۱ احتمال ظهور، رجعت و احتمال وقوع عالم برزخ یا قیامت در برخی آیات، با توجه به توضیحات کتاب بحارالانوار و تفسیر المیزان قابل جمع خواهد بود.

براساس روایات اهل بیت علیهم السلام، رجعت یکی از مسائل مهم آخرالزمان است که جایگاهی مهم در اعتقادات شیعه داشته (ابن بابویه، ۱۴۱۸، ص ۲۶۵، مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۰۰، ص ۳۲۰)، طبق تصریح برخی از علمای شیعه، اعتقاد به آن از ضروریات مذهب شیعه است.^۲ به جز مسئله رجعت، بیشتر مسائل مطرح شده درباره آخرالزمان، هم در منابع شیعی و هم در منابع سنی نقل شده‌اند. پیروان مذهب سنی به‌رغم دلالت بعضی از روایات آنان بر رجعت،^۳ به آن اعتقاد ندارند. طبق روایات شیعه، رجعت به معنای بازگشت جمعی از نیکان و بدان پیش از قیامت، در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است تا به بخشی از جزای اعمال خود برسند.^۴

تعدادی از آیات قرآن که علمای مسلمان در دلالت آنها بر رجعت اتفاق نظر بیشتری دارند، عبارتند از:

۱. (آل عمران: ۸۱): ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ

۱. مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۲۴، ص ۳۴۹ (در توضیح روایتی که در تفسیر آیات ۱۲۴ - ۱۲۷ سوره طه از کتاب الکافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است)؛ طباطبایی، بی تا، ج ۲، صص ۱۰۶ و ۱۰۹؛ ج ۱۲، ص ۱۷۵.
۲. مجلسی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۱: «... از اجماعات شیعه بلکه ضروریات مذهب فرقه محقه، حقیقت رجعت است»؛ و نیز: طریحی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۵۰ و...
۳. مانند آنچه در بعضی کتاب‌های آنان درباره اصحاب کهف نقل شده است که از یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود: سیوطی، الدرالمنثور، ج ۴، ص ۲۱۵؛ العینی، ج ۱۶، ص ۴۹؛ ثعلبی، ۲۰۰۲، ج ۶، ص ۱۵۷. ابن حجر عسقلانی برای ملتزم نشدن به رجعت در این مسئله می‌گوید: یا سند حدیث ضعیف است و یا در صورت صحت باید آنرا به این صورت توجیه کرد که آنان نمرده‌اند؛ بلکه در خواب به سر می‌برند تا در آخرالزمان به یاری مهدی موعود برخیزند (عسقلانی، ج ۶، ص ۳۶۵).
۴. حق‌الیقین، ۱۳۸۱، ص ۳۵۱؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، صص ۱۲۶-۱۲۷، ۱۳۸-۱۳۹.

مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿۵۰﴾ و چون خداوند از پیامبران پیمان گرفت آنگاه که به شما کتاب و حکمت بخشید، پس رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می‌داد تا ایمان آورده او را یاری کنید. خداوند فرمود: آیا اقرار کردید و از پیمان من پیروی خواهید کرد؟ گفتند: اقرار داریم. خداوند فرمود: پس گواه باشید و من هم با شما گواه خواهم بود.

اکثر مفسران در تفسیر این آیه، معمولاً در کنار احتمال دلالت این آیه بر پیمان خدا بر پیامبران یا امت هر پیامبر در تأیید و ایمان به پیامبر بعد از خود، با توجه به سیاق آن به پیمان خدا از همه پیامبران، از حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تا حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، و پیروان آنان مبنی بر ایمان به پیامبری حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تفسیر کرده‌اند. این مطلب در بسیاری از این تفاسیر اعم از شیعی و سنی، با توجه به روایتی از حضرت علی بن ابی‌طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، بیان شده است.

شاهد دلالت این آیه بر آخرالزمان کلمه "لتنصرنه" است که مطابق بعضی از تفاسیر اهل سنت، بر بشارت پیامبران به بعثت حضرت خاتم، و براساس تعدادی از تفاسیر و منابع روایی شیعه، بر کمک و همراهی انبیا با پیامبر خاتم در زمان رجعت، دلالت دارد. از این رو، این آیه در شمار آیاتی است که بر رجعت دلالت دارند.^۱

۲. (ابراهیم: ۵): ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿۵۰﴾ و ما موسی را با آیات خود فرستادیم و به او دستور دادیم که قومت را از ظلمات جهل و گمراهی بیرون آر و به عالم نور رسان و روزهای خدا را به یاد آنان آور که این یادآوری برای هرکس که صبور و شکرگزار است، دلایل روشنی خواهد بود.

با توجه به مجموع تفاسیر، ﴿آيَاتِ اللَّهِ﴾، ایام خاصی است که در آن امر خاصی از خداوند در گذشته ظاهر شده یا در آینده ظاهر خواهد گشت؛ مانند وقایعی که برای امت‌های گذشته

۱. مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، صص ۴۱ و ۱۱۸؛ کورانی، ۱۴۱۱، ج ۵، صص ۴۶ و ۵۶-۵۷؛ طبری، ۱۹۹۵، ج ۳، صص ۴۴۷-۴۵۴؛ ثعلبی، ۲۰۰۲، ج ۳، ص ۱۰۴؛ فخررازی، بی‌تا، ج ۸، صص ۱۲۱-۱۲۷؛ قرطبی، ۱۹۸۵، ج ۴، صص ۱۲۴-۱۲۶؛ ابوحیان، ۲۰۰۱، ج ۲، صص ۵۳۱-۵۳۶؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۳۵۳-۳۵۰؛ ج ۳، صص ۳ و ۸۶؛ حویزی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۵۹؛ طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۱، صص ۳۳۲-۳۳۵؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۳، صص ۳۳۲-۳۳۵ و ۳۳۷؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۱؛ بحرانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۹۵.

رخ داده است و یا روز مرگ و روز رستاخیز و... که به طور کلی سنن الهی اعم از نعمت یا عذاب در آن اجرا می شود (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۷۴؛ طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۶، ص ۵۹؛ طباطبایی، بی تا، ج ۱۲، صص ۱۸-۱۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۸۰؛ زمخشری، ۱۹۶۶، ج ۲، ص ۳۶۷؛ فخررازی، بی تا، ج ۱۹، ص ۸۴؛ طبری، ۱۹۹۵، ج ۱۳، صص ۲۳۸-۲۴۱؛ قرطبی، ۱۹۸۵، ج ۹، ص ۳۴۱).

براساس روایاتی که در تفاسیر از منابع روایی شیعه نقل شده است، از جمله مصادیق ایام الله، روز قیام حضرت مهدی علیه السلام و روز رجعت (که در شمار وقایع آخرالزمان اند) و روز قیامت است.^۱

نکته درخور توجه در ابتدای بحث آیات رجعت در قرآن از کتاب بحارالانوار و تفسیر میزان، درباره ارتباط آیات مربوط به رجعت، ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و آیات مربوط به قیامت اینک، به دلیل اشتراک این سه رویداد در ظهور پاره‌ای از حقائق، و تفاوت در شدت و ضعف ظهور آنها، اغلب آیات مربوط به قیامت در روایات از نظر تفسیر، گاه بر قیامت، گاه بر ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و گاه بر رجعت دلالت دارند و حکم بیان شده درباره هریک از آنها بر بقیه نیز صادق است.

۳. (نحل: ۳۸): ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ و با مبالغه و تأکید کامل قسم یاد می کنند که خدا هرگز آن که را که مرد، زنده نخواهد کرد. بلی، البته وعده خدا حتمی است؛ لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند. بیشتر تفاسیر، این آیه را به رستاخیز مردگان در روز قیامت تفسیر کرده اند. با توجه به روایاتی که در تفاسیر و منابع روایی شیعه نقل شده است، این آیه بر رجعت دلالت دارد. تعدادی از تفاسیر سنی نیز دلالت این آیه بر رجعت از نظر شیعه را نقل کرده اند (طبری، ۱۹۹۵، ج ۱۴، ص ۱۴۰؛ ثعلبی، ۲۰۰۲، ج ۶، ص ۱۶؛ قرطبی، ۱۹۸۵، ج ۱۰، ص ۱۰۵؛ ابوحیان، ۲۰۰۱، ج ۵، ص ۴۷۶).

روایاتی که درباره این آیه از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است، از زنده شدن عده‌ای از

۱. کورانی، ۱۴۱۱، ج ۵، صص ۱۹۰ و ۱۹۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷، ص ۶۱؛ ج ۱۳، ص ۱۲؛ ج ۵۱، ص ۴۵؛ ج ۵۳، ص ۶۳؛ طباطبایی، بی تا، ج ۱۲، صص ۱۸-۱۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۸۰؛ حویزی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۲۶؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸؛ المجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷، ص ۶۱؛ ج ۱۳، ص ۱۲؛ ج ۵۱، ص ۴۵؛ ج ۵۳، ص ۶۳؛ کورانی، ۱۴۱۱، ج ۵، صص ۱۹۰-۱۹۲.

مردگان به منظور یاری رساندن به حضرت مهدی عج حکایت می‌کنند.^۱

شیخ مفید در کتاب اوائل المقالات در اثبات دلالت این آیه بر رجعت استدلال کرده است که این آیه از سویی بیانگر ایمان کسانی است که به نام خداوند سوگند یاد کرده‌اند و از سوی دیگر، بیانگر عدم اعتقاد آنان به برانگیخته شدن مردگان است. چه از نظر مسلمانان و چه از نظر غیرمسلمانان، راهی برای جمع بین اعتقاد به توحید و انکار معاد وجود ندارد؛ مگر آنکه منظور از واژه «بعث» در آیه، برانگیخته شدن در رجعت باشد.^۲

بنابر روایات دیگری در تفاسیر و منابع روایی شیعه در دلالت این آیه بر رجعت، آیه در مورد امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب ع است.^۳

۴. (انبیاء: ۹۵): ﴿وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾؛ و اهل دیاری را که هلاک

کردیم دیگر زندگانی بر آنان حرام است و هرگز باز نخواهند گشت.

براساس روایات شیعه، این آیه بر رجعت دلالت داشته، در شمار آیاتی است که در رد منکران رجعت از آن استفاده می‌شود.^۴ مطابق روایات، منظور آیه، عدم رجعت و مجازات گروهی از کسانی است که در دنیا به عذاب خداوند مبتلا و هلاک شده‌اند، و زنده شدن مجدد آنها به قیامت موکول شده است؛ فقط کافران خالص در کفر، که به عذاب دنیا مبتلا

۱. عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ بحرانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۶۸؛ حویزی، ۱۳۷۰، ج ۳، صص ۵۳-۵۴؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۵۰؛ ابن طاووس، سعدالسعود، ص ۱۱۶؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، صص ۷۱ و ۹۲؛ کورانی، ۱۴۱۱، ج ۵، صص ۲۱۲ و ۲۱۴.

۲. مفید، ۱۹۹۳، ص ۳۲۵. مطلب درخور توجه اینکه همانگونه که توضیح داده شد، گروهی با نام صادوقیان در میان یهود به وجود آمده بود که مقابل فریسیان با اکتفا به مطالب موجود در اسفار خمسه تورات، به تعلیمات شفاهی یا همان روایات منقول که در تلمود جمع شده است اعتقاد نداشتند و منکر معاد بودند؛ اما اکنون تنها گروه فریسیان از یهود باقی مانده‌اند.

۳. متقی، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۴۵۱؛ سیوطی، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۸؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۳۶، ص ۱۰۹؛ ج ۵۳، ص ۵۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۳.

۴. مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، ص ۱۱۸؛ کورانی، ۱۴۱۱، ج ۵، صص ۴۶ و ۲۵۹.

نشده‌اند و مؤمنان خالص در ایمان دوباره به دنیا باز خواهند گشت.^۱

دو دیدگاهی که بیشتر تفاسیر برای تفسیر «رجوع» در این آیه طرح کرده‌اند، عبارت‌اند از:

(الف) منظور از عدم رجوع، عدم رجعت کسانی است که به عذاب الهی هلاک شده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۷۸؛ طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۷، صص ۱۱۲-۱۱۳؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۴، صص ۳۲۴-۳۲۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۵۴؛ فخررازی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۲۲۱؛ آلوسی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۹۱).

(ب) منظور از عدم رجوع، عدم رجوع و توبه کفار و گناهکارانی است که خداوند هلاکت و عذاب آنها را اراده کرده است؛ بدین معنا که توبه و رجوع برای آنها قابل تصور نیست (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۷۸؛ طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۷، صص ۱۱۲-۱۱۳؛ طباطبایی، ج ۱۴، صص ۳۲۴-۳۲۵؛ فخررازی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۲۲۱؛ زمخشری، ۱۹۶۶، ج ۲، ص ۵۸۳؛ طبری، ۱۹۹۵، ج ۱۷، ص ۱۱۴؛ ابوحیان، ۲۰۰۱، ج ۶، ص ۳۱۳؛ آلوسی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۹۱).

براساس بعضی از نقل‌ها در اینجا ممکن است هلاکت معنوی در اثر کفر و معصیت مدنظر باشد (مانند: آلوسی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۹۱).

در بعضی از تفاسیر، این آیه دلیلی بر رد آرای منکران زنده شدن خلائق در قیامت، دانسته شده است؛ یعنی معنای آیه به این صورت است که برنگشتن هلاک شدگان حرام است؛ یعنی واجب است در قیامت به سوی خدا برگردند و زنده شوند و با توجه به اینکه بازگشت و زنده شدن در قیامت همه‌گیر است، توجیه کسانی که این احتمال را در معنای آیه مطرح

۱. طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۱۱۳؛ حویزی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۴۵۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۵۴؛ طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۳۳.

از آنجاکه اهل سنت به رجعت اعتقاد ندارند، در بعضی از تفاسیر آنها روایت امام باقر علیه السلام نقل شده است؛ اما به غلط این روایت را شاهد بر صحت اعتقاد خود، یعنی، دلالت بر همه مردگان دانسته‌اند؛ درحالی‌که این روایت فقط درباره کسانی است که به عذاب دنیوی هلاک گردیدند (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۷، ص ۱۱۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۰۷). در بعضی از تفاسیر آنها نیز، این آیه دلیلی بر رد منکرین زنده شدن خلائق در قیامت، دانسته شده است؛ یعنی، معنای آیه به این صورت است که: بازنگشتن هلاک شدگان حرام است؛ یعنی واجب است در قیامت به سوی خدا برگردند و زنده شوند. با توجه به اینکه بازگشت و زنده شدن در قیامت همگانی است، اختصاص آیه به این افراد به دلیل انکار بعث و قیامت از سوی آنان است (فخررازی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۲۲۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۱۴؛ آلوسی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۹۱).

کرده، این آیه را به این افراد اختصاص داده‌اند، انکار بعثت و قیامت از سوی این افراد است. (فخررازی، بی تا، ج ۲۲، ص ۲۲۱، اندلسی، ۲۰۰۱، ج ۶، ص ۳۱۴؛ آلوسی، بی تا، ج ۱۷، ص ۹۱)

۵. (نور: ۵۵): ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ و خدا به کسانی که شما که ایمان آرند و نیکوکار گردند وعده فرمود تا در زمین خلافتشان دهد؛ چنان‌که امم پیامبران صالح سلف، جانشین پیشینیان خود شدند. و افزون بر آن، دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تسلط دهد و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد تا مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه شرکی پرستش کنند؛ و هرکه پس از آن کافر شود، به حقیقت همان‌ها فاسقان و تبه‌کارانند.

این آیه، طبق روایات و تفاسیر شیعه، به وعده خداوند بر جایگزینی صالحان در زمین اشاره دارد و درباره حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب آن حضرت و وعده خدا به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنان است. با توجه به روایاتی که درباره این آیه نقل شده است، رجعت نیز، در زمان ظهور آن حضرت خواهد بود؛ از طرفی، این آیه از آیاتی است که بر رجعت دلالت دارند (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، صص ۴۷ و ۱۱۸؛ کورانی، ۱۴۱۱، ج ۵، صص ۲۷۸ و ۲۸۰). بنابراین، طبق روایات، این آیه، هم بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حکومت صالحان، و هم بر رجعت دلالت دارد. افزون بر آن، طبق نکته مطرح شده در ابتدای بحث، آیات مربوط به رجعت، ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و قیامت، به جهت ظهور پاره‌ای از حقایق، مشترک‌اند و تفاوت آنها با یکدیگر به جهت شدت و ضعف ظهور حقایق مزبور است؛ بنابراین اغلب آیات مربوط به قیامت، گاه بر قیامت، گاه بر ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و گاه بر رجعت دلالت داشته، حکم بیان شده درباره هریک از آنها در مورد بقیه نیز صادق است. از این رو، می‌توان گفت، هر دو نظر درباره دلالت این آیه صادق‌اند؛ یعنی آیه مزبور هم بر ظهور، و هم بر رجعت، دلالت دارد.

۶. (نمل: ۸۳): ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ و روزی که از

هر قومی دسته‌ای را که آیاتمان را تکذیب می‌کنند برانگیزیم و آنان بازداشته خواهند شد.

این آیه مطابق روایات و تفاسیر شیعه جزء آیاتی است که به رجعت در آخرالزمان اشاره می‌کند. (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۲۰؛ طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۷، ص ۴۰۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۷۶؛ حویزی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۲۶۶؛ و ج ۴، صص ۹۹-۱۰۱؛ طباطبایی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۹۶ و ...) وجه استدلال

در روایات این است که در این آیه به حشر بعضی از افراد امت‌ها اشاره شده است نه همه آنها؛ از این رو، این آیه نیز بیانگر رجعت است، نه حشر کلی قیامت.^۱

۷. (قصص: ۵): ﴿وَوَيْدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

و ما اراده کردیم که بر آن طائفه‌ای که در زمین ضعیف شمرده شدند، منت گزارده، آنان را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث مملکت گردانیم.

این آیه، با توجه به سیاق، به نجات بنی اسرائیل از ظلم و ستم فرعون اشاره می‌کند؛ اما مطابق روایات، به ظهور حضرت مهدی عج و برقراری حکومت عدل الهی توسط اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کند. مطابق روایاتی که در ذیل این آیه نقل شده است، در زمان ظهور حکومت عدل در زمین، رجعت مؤمنان محض و کافران محض برای متنعم شدن از برکات آن دوران و مجازات به دنیا محقق خواهد شد. این آیه نیز، در شمار آیاتی است که به آن به منزله دلیلی بر اثبات رجعت استناد شده است.^۲

۸. (غافر: ۱۱): ﴿قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ﴾ (در

آن حال گویند: پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی، پس ما به گناهان خود اعتراف کردیم. آیا اینک راهی هست تا (از عذاب) بیرون آییم؟

درباره علت دو مرگ و دو زندگی در این آیه، اقوال مختلفی نقل شده است. سه قول اول از تفاسیر شیعه و سنی، و قول چهارم از روایات نقل شده است، که عبارت‌اند از:

الف) مرگ اول پس از زندگی دنیا و مرگ دوم پس از زنده شدن در قبر برای سؤال در قبر،

زنده شدن اول پس از مرگ اول در قبر و زنده شدن دوم پس از مرگ دوم در قیامت است.

ب) مرگ اول در حال نطفه بودن و مرگ دوم پس از زندگی دنیا، زنده شدن اول پس

۱. مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، صص ۴۰، ۵۱ و ۱۱۸؛ و ج ۹۳، صص ۳ و ۸۶؛ کورانی، ۱۴۱۱، ج ۵، صص ۳۱۵ و ۳۱۷؛ بحرانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۷۱؛ ج ۳، ص ۲۱۱؛ حویزی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱۰۰. در کتاب بحار الأنوار با توجه به روایات مربوط به رجعت در توضیح این آیه آمده است: روزی که در آن گروهی محشور خواهند گردید غیر از روزی است که در آن همه اموات محشور خواهند شد. (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، ص ۱۳۰)

۲. بحرانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۰۶؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، صص ۱۱۸ و ۱۴۲-۱۴۴؛ کورانی، ۱۴۱۱،

ج ۵، صص ۲۲۱-۲۲۳، ۲۷۸ و ۳۲۰.

از مرگ اول و حال نطفه بودن و زنده شدن دوم پس از مرگ دوم در قیامت است.

ج) مرگ اول پس از زندگی دنیا و مرگ دوم پس از زنده شدن در قبر برای سؤال در قبر، زنده شدن اول زندگی دنیا، و زنده شدن دوم پس از مرگ اول در قبر است و اشاره‌ای به زنده شدن قیامت نشده است.

د) مرگ اول پس از زندگی دنیا و مرگ دوم پس از زنده شدن در رجعت است. زنده شدن اول پس از مرگ اول در رجعت، و زنده شدن دوم پس از مرگ دوم در قیامت است.^۱

شیخ طوسی در تفسیر التبیان نظر چهارم را ضعیف دانسته است؛ زیرا لازمه این قول - با احتساب زنده شدن از حال نطفه برای زندگی اولیه در دنیا و زنده شدن و مردن مجدد در قبر - سه مرگ (اماته) و چهار زنده شدن (احیاء) است؛ اما این اشکال را به این صورت پاسخ می‌دهد که خبر دادن خداوند از دو میراندن و زنده کردن مانع از تعداد بیشتر آن نیست؛ زیرا، از آیه حصر آن در دو مورد استفاده نمی‌شود؛ اما در نهایت، هر دو نظر، یعنی نظر اول - که نظر سؤدی است - و نظر چهارم را محتمل می‌داند؛ بدون آنکه به قطعیت در صحت یکی از این نظرها و عدم صحت نظر دیگر حکم کند.^۲ فیض کاشانی در تفسیر الصافی وجه دیگری درباره رجعت بیان کرده است. طبق نظر او، ممکن است در عبارت ﴿أَمْتِنَا اثْنَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اثْنَيْنِ﴾، دو زنده شدن و مردن با رجعت محقق شود یا آنکه به سبب زنده شدن و مردن در قبر برای سؤال، در رجعت چنین می‌گویند.^۳

شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات فی دین الإمامیه در باب الاعتقاد فی المسأله فی القبر این آیه را به عنوان شاهی بر اثبات سؤال در قبر (یعنی نظر اول) آورده است.^۴ علامه مجلسی نیز در کتاب بحار الأنوار از قول شیخ بهایی نقل کرده است که استدلال به این آیه در کتب

۱. مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، ص ۱۱۶.

۲. طوسی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۶۰.

۳. فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۳۶.

۴. ابن بابویه، ۱۹۹۳، ص ۵۹.

کلامی برای اثبات عذاب قبر مشهور است؛^۱ اما شیخ مفید در المسائل السرویه این آیه را در شمار آیاتی که برای اثبات رجعت استفاده می‌شوند آورده و تأویلات اهل سنت را درباره عدم دلالت آن بر رجعت مردود دانسته است. یکی از این تأویلات این است که ﴿أَمِنَّا اثْنَيْنِ﴾ یعنی، خداوند آنان را آفرید درحالی که مرده بودند و به آنان زندگی بخشید؛ سپس، بعد از زندگانی، دوباره آنان را میراند. شیخ مفید در اثبات بطلان این توجیه آنرا در عادت زبان عرب غیرمعمول می‌داند؛ زیرا عرب خلق کردن خداوند از حالت مرده را «اماته» و میراندن نمی‌نامد؛ بلکه این فعل را در جایی به کار می‌برد که شخصی را از حالت زنده بودن بمیراند. همچنین فعل «احیاء» و زنده کردن را استعمال نمی‌کند؛ مگر در موردی که شخص قبل از زنده شدن مرده باشد. ﴿أَحْيَيْنَا اثْنَيْنِ﴾ تأویل دوم اهل سنت درباره عدم پذیرش دلالت آیه بر رجعت اینک: منظور از ﴿أَمِنَّا اثْنَيْنِ﴾ این است که خداوند آنان را پس از زنده شدن در قبرها برای سؤال در قبر می‌میراند؛ یعنی، میراندن اول در دنیا و میراندن دوم در قبر.

شیخ مفید در بطلان این توجیه استدلال می‌کند که زنده شدن در قبر برای سؤال در قبر است نه برای تکلیف (مانند زندگانی دنیا) تا انسان از آنچه از او در دو زندگانی فوت گردیده است، اظهار ندامت کند؛ از این رو، زندگانی دوم در زمان رجعت است.^۲ از طرفی در کتاب بحار الأنوار افزون بر نقل مطلب فوق از شیخ مفید از المسائل السرویه، به نقل از شیخ مفید در کتاب الفصول نیز، به استدلال سیدحمیری به این آیه در شمار آیاتی که در اثبات رجعت در مجلس منصور خلیفه عباسی استفاده کرده است، اشاره شده است.^۳ بنابراین، طبق برخی از نقل‌ها، این آیه مربوط به برزخ و قیامت کبری و طبق برخی، مربوط به رجعت است و با توجه به نکته‌ای که درباره تطابق آیات رجعت و قیامت و ظهور بر یکدیگر در ابتدای بحث رجعت در آیات قرآن مطرح شد، همه این اقوال می‌تواند قابل جمع باشد.

۹. (غافر: ۵۱): ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾؛ البته رسولان

۱. مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۶، ص ۲۱۱.

۲. مفید، ۱۹۹۳، صص ۳۳-۳۵.

۳. مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، صص ۱۳۰-۱۳۲.

خود و اهل ایمان را، هم در دنیا و هم در روزی که گواهان به شهادت برخیزند، یاری می‌کنیم. آنچه در این آیه به منزله دلالت بر رجعت شناخته شده است، نصرت و یاری خداوند در دنیا است. نصرت و یاری خداوند طبق بیان تفاسیر به گونه‌های مختلف است؛ مانند: غلبه بر دشمنان در زمان حیات خود معصومان و مؤمنان، انتقام گرفتن از دشمنان و نابود کردن آنان بعد از کشته‌شدن حجج الهی، مانند انتقام خداوند از بنی اسرائیل بعد از کشتن یحیی بن زکریا، الطاف و تأییدات و قوت قلب و غلبه در حجت و استدلال؛ چراکه انبیا و حجج الهی برحقاند و حق هیچ‌گاه در استدلال مغلوب نمی‌شود (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۸۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۴۴۸؛ طباطبایی، بی تا، ج ۱۷، ص ۱۷۷).

اما براساس روایات که بعضی از تفاسیر روایی نیز به آن اشاره کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۴۵؛ حویزی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۵۲۶)، نصرت خداوند در دنیا همان رجعت است و خداوند در رجعت، حجج خود و مؤمنان را در انتقام گرفتن از دشمنان یاری خواهد کرد؛ زیرا، بسیاری از انبیا و ائمه در دنیا یاری نشدند؛ بلکه کشته شدند و این دلیلی است بر تحقق وعده خداوند بر یاری آنان، در دنیا (هنگام رجعت).^۱ بنابراین، طبق روایات، منظور از نصرت، غلبه ظاهری در حال حیات حجج الهی است، نه انواع دیگر، مانند غلبه در استدلال. طبق بیان بحارالأنوار آنچه در روایات بیان شده است، بیش از نظر مفسران به ظهور آیه نزدیک است.^۲

اهداف و چرایی رجعت از نظر کتاب‌های مقدس یهودیان، مسیحیان و مسلمانان

همان‌گونه که در بررسی آیات عهد عتیق بیان شد، طبق بیان تلمود که مانند روایات اسلامی، تفسیر کتاب (تورات) است، در زمان ظهور مسیح (ماشیح)، رستاخیز و بازگشت مردگانی که نیکوکار بوده‌اند روی خواهد داد تا در سعادت و شادمانی ایام پس از ظهور سهیم باشند؛ اما بدکاران به دلیل محرومیتشان، در این ایام باز نخواهند گشت. در نتیجه، اعتقاد به ظهور ماشیح با ایمان به حقیقت رستاخیز مردگانی که شایسته چنین پاداش و موهبتی باشند، همراه است. این مسئله را می‌توان در آیاتی از عهد عتیق مانند: (کتاب اشعیا، ۲۶: ۱۹) و (کتاب

۱. مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۳، ص ۶۵.

۲. همان. (در مورد صحیح‌تر بودن دلالت آیه بر رجعت)

دانیال، ۱۲: ۱۳) یافت. اما در کنار آن شواهدی از تلمود و عهد عتیق بیانگر عدم اختصاص رجعت دسته‌ای از مردگان مؤمن به دنیا بوده، به رجعت دسته‌ای از کافران نیز برای مجازات به دنیا دلالت دارد؛ یعنی رجعت برای دسته‌ای از مؤمنان و دسته‌ای از کافران خواهد بود.

در مسیحیت - همان گونه که در آیات عهد جدید و تفسیرهای آن دیده شد - هدف از رجعت مؤمنان در زمان نزول مسیح ﷺ، استقرار ملکوت در زمین و برقراری حکومت مؤمنان در سراسر گیتی، و بهره‌مندی و سهمیم بودن آنان در این نعمت است. این مسئله را می‌توان در آیاتی از عهد جدید مشاهده کرد که عبارت‌اند از: (انجیل یوحنا، ۶: ۳۹-۴۰)، (رساله اول قرنتیان، ۱۵: ۲۳-۲۵)، (مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۴-۶) و...

در قرآن و روایات درباره هدف از رجعت، به مسائلی چون عذاب کفار و منافقین، و پاداش مؤمنان، تحقق وعده‌های خداوند، نصرت دین و حکومت عدل جهانی و ... اشاره شده است. این موارد در آیاتی مانند: (آل عمران: ۸۱)، (نور: ۵۵)، (نمل: ۸۳)، (قصص: ۵)، (سجده: ۲۱) و (غافر: ۵۱) منعکس شده است.

نتیجه

بازگشت دسته‌ای از مردگان به دنیا یا رجعت، مسئله‌ای است که در هر سه کتاب مقدس یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به آن اشاره شده است.

طبق تفسیر یهودیت، در آیات عهد عتیق به رستاخیز دسته‌ای از مردگان در زمان ظهور مسیح (یا ماشیح)، اشاره شده است و تفکیک این اعتقاد که دستاورد الهامات اصیل یهود است، از اندیشه مسیحایی یهود محال است. اعتقاد رایج در سنت یهود این است که با آغاز روزگار مسیحایی، صالحان و نیکوکاران، زنده خواهند شد؛ و رجعت بخشی از حوادث آخرالزمان است. با وجود این، شواهدی از تلمود و عهد عتیق وجود دارد که رجعت دسته‌ای از مردگان به دنیا را، تنها برای مؤمنان نمی‌داند. طبق این شواهد می‌توان نتیجه گرفت، طبق منابع یهودی، دسته‌ای از کافران نیز، برای مجازات به دنیا بر خواهند گشت؛ یعنی رجعت برای دسته‌ای از مؤمنان و دسته‌ای از کافران است.

بازگشت مردگان در زمان بازگشت عیسی مسیح ﷺ از آسمان که در آیات مختلف

عهد جدید به آن اشاره شده است، بحثی است که در مسیحیت با مسئله بازگشت مسیح از آسمان و سلطنت هزارساله او مرتبط است. درباره رجعت مردگان دو نظر از علمای لاهوت مسیحی بیان شده است. دسته‌ای از علمای مسیحی رجعت را تأویل می‌کنند و دسته دیگر، معتقداند، تنها مؤمنان (یا تنها شهدا) که هزار سال با مسیح در زمین حکومت خواهند کرد، به دنیا برخواهند گشت. در پایان هزار سال، رستاخیز نهایی برای بقیه مردگان و داوری غیرمؤمنان صورت می‌گیرد.

همان‌گونه که بیان شد، نظر دسته دوم که مبتنی بر دلیل و شواهد موجود در نصوص مقدس بوده، با ظاهر عبارات عهد جدید نیز سازگار است، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. برخلاف نظر دسته اول که تنها بر اعتقاد جمهور مسیحیت (از نظر خودشان) متکی بوده، بر خلاف ظاهر عبارات عهد جدید است.

مسئله رجعت که در برخی از آیات قرآن نیز، به آن اشاره شده است، یکی از مسائل مهم آخرالزمان بوده، براساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام و تصریح برخی از علمای شیعه، اعتقاد به آن از ضروریات مذهب شیعه امامیه است؛ اما اهل سنت با وجود مواردی که در بعضی از روایات آنان بر رجعت دلالت می‌کند، به شدت با مسئله و حتی با اساس آن مخالف‌اند. طبق روایات اهل بیت علیهم‌السلام، پیش از قیامت در زمان حضرت مهدی علیه‌السلام جمعی از نیکان و بدان به دنیا برخواهندگشت تا به بخشی از جزای اعمال خود برسند.

بنابراین، اساس اعتقاد به رجعت در اندیشه شیعه در اسلام و اندیشه یهودیان و دسته‌ای از علمای مسیحیت مشترک است. نظر آن دسته از علمای مسیحی که زنده شدن جسدی دسته‌ای از مردگان، پیش از قیامت را قبول نداشته، آمدن مسیح را تنها در روز قیامت نهایی می‌دانند، مشابه نظر اهل سنت است که منکر رجعت‌اند و آیات و روایات مربوط به آن را تأویل می‌کنند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. عهد جدید (۱۹۸۰م). لبنان: دار الكتاب المقدس في الشرق الأوسط.
۳. کتاب مقدس (عهد جدید) (۱۹۶۶م). لندن: انجمن پخش کتب مقدسه.
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله (بی تا). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. بیروت: دار الطباعة المنيرية.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). النخصال. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.
۶. _____ (۱۴۱۸ق). الهدایة فی الأصول والفروع. تحقیق مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام، قم: مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام.
۷. _____ (۱۹۹۳م). الاعتقادات فی دین الإمامیه. تحقیق عصام عبدالسید، بیروت: دار المفید.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی تا). فتح الباری شرح صحیح البخاری. ج ۶، بیروت: دار المعرفة.
۹. ابوحيان، محمد بن يوسف (۲۰۰۱م). البحر المحيط. تحقیق عادل أحمد عبدالموجود؛ علی محمد معوض، بیروت: دار الكتب العلمية.
۱۰. ادی، ویلیام (۱۹۷۳م). الكنز الجلیل فی تفسیر الإنجیل. بیروت: مجمع الكنائس فی الشرق الأدنى.
۱۱. اشتاین سالتز، آدین (۱۳۸۳). سیری در تلمود. ترجمه باقر طالبی دارابی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۲. امیری، محمدمقداد (۱۳۸۷). آخرالزمان در تورات و انجیل و قرآن (پایان نامه کارشناسی ارشد). قم: دانشکده اصول دین.
۱۳. انس الامریکانی، جیمز (۱۸۹۰م). نظام التعليم فی علم اللاهوت القويم. ج ۲، بیروت: مطبعة الامریکان.
۱۴. بارتون، بروس؛ و دیگران (۱۹۹۵م). التفسیر التطبیقی للعهد الجدید. قاهره: شركة ماستر میدیا.
۱۵. بحرانی، سیدهاشم (۱۳۹۳ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: المطبعة العلمية.
۱۶. بدر العینی، محمود بن احمد (بی تا). عمدة القاری. ج ۱۶، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۷. تيسن، هنرى (بى تا). الهيات مسيحي. ترجمه ميكائيليان، تهران: انتشارات حيات ابدى.
۱۸. ثعلبى، احمد بن محمد (۲۰۰۲م). الكشف و البيان (تفسير الثعلبى). تحقيق ابى محمد بن عاشور، مراجعه و تدقيق نظير الساعدى، بيروت: دار احياء التراث العربى.
۱۹. حويزى، عبدعلى بن جمعه (۱۳۷۰). تفسير نورالثقلين. تحقيق و تعليق سيد هاشم رسولى محلاتى، قم: مؤسسه اسماعيليان.
۲۰. دار الثقافة المسيحية (۱۹۷۱م). علم اللاهوت النظامى. قاهره: دار الثقافة المسيحية.
۲۱. زمخشرى، محمود بن عمر (۱۹۶۶م). الكشف عن حقائق التنزيل و عيون الاقوال فى وجوه التأويل. ج ۲، مصر: مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده.
۲۲. سيوطى، عبدالرحمن بن ابو بكر (بى تا). الدر المنثور فى تفسير القرآن بالمأثور. بيروت: دار المعرفة.
۲۳. طباطبايى، محمدحسين (بى تا). الميزان فى تفسير القرآن. قم: منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية.
۲۴. طبرسى، فضل بن حسن (۱۹۹۵م). مجمع البيان فى تفسير القرآن. بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
۲۵. طبرى، محمد بن جرير (۱۹۹۵م). جامع البيان عن تأويل آى القرآن. بيروت: دار الفكر.
۲۶. طريحي، فخرالدين بن محمد (۱۴۰۸ق). مجمع البحرين. ج ۲، تحقيق سيداحمد حسيني، تهران: مكتب نشر الثقافة الإسلامية.
۲۷. طوسى، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). التبيان فى تفسير القرآن. تحقيق و تصحيح أحمد حبيب قصير العاملى، بيروت: دار احياء التراث العربى.
۲۸. عبدالملك، بطرس؛ و ديگران (۱۹۷۱م). قاموس الكتاب المقدس. بيروت: مجمع الكنائس فى الشرق الأدنى.
۲۹. عياشى، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، التفسير (تفسير العياشى). تحقيق سيدهاشم رسولى محلاتى، طهران: المكتبة العلمية الإسلامية.
۳۰. فخر رازى، محمد بن عمر (بى تا). التفسير الكبير. مصر: المطبعة البهية المصرية.
۳۱. فيض كاشانى، محمد بن شاه مرتضى (۱۴۱۶). تفسير الصافى. تهران: مكتبة الصدر.
۳۲. قرطبى، محمد بن أحمد (۱۹۸۵م). الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبى). تحقيق احمد عبدالعليم بردونى، بيروت: دار احياء التراث العربى.

۳۳. قوجمان، ی. (۱۹۷۰م). قاموس عبری - عربی. بیروت: دارالجلیل.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). اصول الکافی. تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۵. کورانی، علی (۱۴۱۱ق). معجم احادیث الإمام المهدي عليه السلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۳۶. کوهن، آبراهام (۱۳۵۰). گنجینه‌ای از تلمود. ترجمه امیرفریدون گرکانی، تصحیح غلامرضا ملکی، تهران: چاپ زیبا.
۳۷. گرینستون، جولوس (۱۳۷۷). انتظار مسیحا در آیین یهود. ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۳۸. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۹۸۹م). کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال. ضبط و تفسیر بکری حیانی، تصحیح و فهرسة صفوة السقا، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۱). حق الیقین. اصفهان: کانون پژوهش.
۴۰. _____ (۱۹۸۳م). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۱. مفید، محمد بن محمد (۱۹۹۳ف). اوائل المقالات. تحقیق ابراهیم انصاری، بیروت: دار المفید.
۴۲. _____ (۱۹۹۳ب). المسائل السروية. تحقیق صائب عبدالحمید، بیروت: دار المفید.
43. HOLY BIBLE (Old & New Testaments) (1961). USA.
44. Cross, F. L. (1977). *The Oxford Dictionary of the Christian Church*. London: Oxford University press.
45. Douglas, J. D. (1976). *The New BIBLE Dictionary*. England.
46. Karesh, E., & Hurvitz M. M. (2006). *Encyclopedia of Judaism*. NewYork.
47. Wigoder, G. (1992). *Encyclopaedia Judaica*. Israel.
48. Singer I. (1916). *The Jewish Encyclopedia*. NewYork.
49. Laymon C. M. (1971). *The Interpreter's One-Volume Commentary on the Bible*. NewYork.
50. Black, M., & Rowley H. H. (1962). *Peake's Commentary on the Bible*. Hong Kong.